سایه تاریخ (۲۱)

گودرت سامیا کلاتری

پیشکش به شاهرخ نجاری

به نظر می رسد اردشیرجی که بنیانگذار انجمن زرتشتیان تهران بوده در تمام جلسات انجمن حضور داشته با وجودی که انجمن زرتشتیان تهران رییس داشته و رییس آن هم میرزا کیخسرو شاهرخ بوده ولی اردشیر جی جلسات را اداره می کرده و اگر به مسافرت می رفته نگران انجمن و جلسات آن بوده . به این مصوره انجمن توجه فرمایید .

تیر ایزد و امرداد ماه ۱۲۷۹

سوای آقای گیو شاه پور و آقا میرزا اسفندیار رستم و آقا جمشید مهربان و آقا میرزا گشتاسب باقی اجزاء حاضر و نخست وقایع انجمن قبل قرائت گردید .

کاغذی از جناب اردشیر جی صاحب از بغداد رسیده بود قرائت گردید و قرار شد جواب آن به بمبئی نوشته شود .

اردشیر جی نه تنها با انجمن تهران بلکه با انجمن یزد و کرمان نیز کمک فکری می کرده مثل این مصوره .

سروش و خرداد ماه ۱۲۷۹

تمام اعضاء با حضور جناب اردشیر جی صاحب حاضر و نخست خلاصه انجمن قبل قرائت گردید .

نظامنامه انجمن یزد که در انجمن قبل در آن باب ذکر شد قرائت گردید .

و تعدیل لازمه شد و قرار بر این شد پاک نویس کرده و به امضای جناب اردشیر جی صاحب رسیده نسخه ای برای انجمن یزد و نسخه ای برای انجمن کرمان فرستاده شود .

و یا این مصوره .

چون برای انتخاب یک نفر وکیل زرتشتی از برای انجمن بلدیه به جناب اردشیر جی صاحب اخطار شده بود لهذا قرار شد برای دوشنبه آینده در کاروانسرای مشیر خلوت تعرفه انتخاب داده و همان روز ورقه رای گرفته شود

و این هم نمونه دیگری از مصوبه انجمن زرتشتیان تهران در آن زمان :

چون آقا مهربان و آقا بهرام کادمی که محض نامساعدتی روزگار در مقابل بدهی خود تهیدست شده اند در عصر جمعه ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۷ با حضور رییس انجمن طلبکاران تهران خود را در وکالت خانه پارسیان حاضر کرده و قروض و دارایی خود را پیشنهاد نموده و قرار نامه نوشته اند که در آن که در نامه شرط شده است شرایط آن قرار نامه از طرف انجمن زرتشتیان تهران توسط انجمن های زرتشتیان کاشان و یزد به سایر طلب کارهای مشارالیهما در آندو ... پیشنهاد و اخطار شود طلبکاران آنچه را تود تا قبل از انقضای چهل روز مهلتی که در قرار نامه شرط شده است عقیده خود را پیشنهاد انجمن زرتشتیان تهران نمایند . به طلبکاران تهران مشارالیهما و خودشان اخطار شود و آن قرار داد و صورت بدهی و دارایی مشارالیهی امانتا به انجمن سپرده شده است لهذا قرار شد مطابقا از طرف این انجمن به انجمن های زرتشتیان یزد و کاشان نوشته شود و نوشتجات ثلاثه مزبور امانتا ضبط و ثبت شد .

به جرات می توان گفت که گردش دوم انجمن زرتشتیان تهران بزرگترین گام را برای جامعه زرتشتیان برداشته است چون نخستین مدرسه دخترانه زرتشتیان در سال ۱۲۸۸ خورشیدی و در زمان دومین گردش انجمن گشایش یافت .

یک نویسنده تاریخی:

بیان تحولات آیین زرتشت از ویژگی های کتیبه های فارس است

محمدحسین کیکبود

نویسنده آثار تحقیقی و تاریخی ایران باستان تصریح کرد: از ویژگی های کتیبه های فارس بیان تحولات آیین زرتشت است که عمدتا به زبان پهلوی ساسانی نگارش شده است .

این سخنان در سمیناری با عنوان تاریخ ایران باستان ومعماری آن دوران، با سخنرانی دکتر سیدحسن موسوی ، نویسنده کتاب فرهنگ و معماری ایران در حاشیه نمایشگاه تابستانه مجتمع بیمارستانی MRI شیراز عنوان شد.

نویسنده کتاب فرهنگ و تمدن ساسانی در این سمینار ضمن ارایه پیشینه ای از تمدن دوره ساسانیان به بعد، اظهاردداشت، در دوره ساسانیان آثار متعددی در ایران وبه ویژه فارس به وجود آمد که مهمترین آنها، شهر گور یا فیروزآباد است که توسط اردشیر بابکان بنا نهاده شد.

وی افزود: این اثر دایره مانند، دارای هشت دروازه اصلی و فرعی است که بر فراز آن شیبا آتش افروخته می شد و راهنمای کاروانها بود.

موسوی در خصوص دیگر آثار به جای مانده از دوره ساسانیان خاطر نشان کرد: در آثار و ویرانه های به جای مانده، نشانه هایی از یک معبد وجود دارد که از سنگ تراش ساخته شده و متعلق به این دوره است.

وی اضافه کرد: قلعه دختر نیز از دیگر آثار این دوره است که بر فراز قله ای در فیروز آباد قرار گرفته و فلسفه نامگذاری آن به طور دقیق مشخص نیست اما طبق گفته های تایید نشده حضور دخترانی با پوشش مرد در آن دلیل این نامگذاری است.

موسوی در ادامه تاکید کرد: در شهر تاریخی بیشاپور که در نزدیکی کازرون قرار دارد و به دستور شاپور اول بنا نهاده شد و پایتخت ساسانیان به شمار می آمد، تمدن این سلسله بیشتر مشهود است، طرح این شهر شطرنجی است و در کاوش های صورت گرفته نشانه معبد آناهیتا درآن یافت می شود.

سمینار تاریخ ایران باستان و معماری آن دوران، توسط انجمن دوستداران آثار فرهنگی پارس و با همکاری انتشارات نوید شیراز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس برگزار شد.

گفتگو با دکتر تورج دریایی ،مولف کتاب «شاهنشاهی ساسانی»

تفسیر سلسله پهلوی و کمونیست ها از شکست ساسانیان سیاسی است

آرزو رسولی

پس از گذشت نزدیک به پنجاه سال از چاپ اول کتاب جامع «ایران در زمان ساسانیان» اثر ایران شناس نقید «نامارک» «آرتور کریستین سن» و با سنتی کردن کتاب هایی که بخشی از آنها به تاریخ ساسانی اختصاص یافته یا به جنبه خاصی از این دوران روانه دارند، سرانجام کتاب جامعی در مورد این دوره تاریخ ایران روانه بازار کتاب شد: «شاهنشاهی ساسانی» که حاصل تلاش ایران شناس جوان ایرانی ، دکتر تورج دریایی ، استاد تاریخ باستان دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون ، است. او در گفتگویی که با «میراث خبر پیراموِن این کتاب داشت بر ناصحیح بودن تقسیم تاریخی دوره پهلوی و کار تاریخ نویسانی که به کمونیست ها نزدیک بودند اشاره می کند. دریایی کار این مورخان را سیاسی می داند و از سعی خود برای نشان دادن چهره واقعی ساسانیان در کتابش سخن می گوید. انتشارات ققنوس این کتاب را با ترجمه «مرتضی ثاقب فر» منتشر کرده است. اصل کتاب به زبان انگلیسی است که به زودی در آمریکا منتشر خواهد شد. در این کتاب در پنج فصل به تاریخ سیاسی ساسانیان، دین در شاهنشاهی ساسانی، اقتصاد و سازمان اداری ساسانیان، جامعه ساسانی، زبان و ادبیات در دوران ساسانی پرداخته شده است.

× «در مورد دلایل سقوط ساسانیان، تحلیل های گوناگونی صورت گرفته است از جمله دخالت مسایل دینی و اعتقادی در زندگی مردم. شما تا چه حد با این مساله موافق هستید؟

– من فشار مذهبی و نابرابری و جامعه طبقاتی و اینگونه داستان ها که بیشتر در دهه ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ میلادی زیر نفوذ تاریخ نگاری روس ها و کمونیست ها گفته شد را زیاد قبول ندارم.

× چرا؟

– تمام جوامع آن زمان جامعه طبقاتی بودند. مثلا جامعه بیزانس هم با آن قدرتی که داشت ، جامعه ای بود که نابرابری در آن کاملا معلوم بود. شاید هم بیشتر از ایران. دلیل فرو ریختن ایران هم بیشتر بیزانس در برابر اعراب هم نابرابری نبود.

× آیا می توان تصور کرد که ارتش اعراب آن قدر پیشرفته بودند که چنین شکستی را برای ایرانیان رقم بزنند؟

– بله . برخالف خیلی هایی که برای ما به وجود آمده ، ارتش اعراب بسیار مجهز بود.

× چرا چنین ذهنیتی در ما به وجود آمده است؟

– این ذهنیت ها غالبا ناشی از تاریخ نگاری دوره پهلوی است که اعراب را یک مشت بیابانگرد بدوی نشان می دادند که سوار شترهایشان آمدند و ارتش منظم ایران یا روم را شکست دادند. مطالعات جدیدی در مورد ارتش اعراب صورت گرفته که نشان می دهد این چنین نبوده است. از طرفی ، اوضاع داخلی ایران در آن زمان در هم بود و هرج و مرج داخلی وجود داشت. این هم یکی از دلایلی است که اعراب مسلمان وارد فلات ایران شدند. دلیل دیگر هم تغییرات ارتش ایران در دوره خسرو پرویز بود. او ارتش را در مرزها متمرکز و دل ایرانشهر را خالی کرده بود. هنگامی که ارتش لب مرز شکست خورد، فلات ایران باز شد. به هر حال، دلایل مختلفی را می توان برای شکست ساسانیان بازار برد. نمی توانیم شکست ایران را با نابرابری و مسایل اعتقادی توجیه کنیم. ما از افکار ایرانیان آن زمان اطلاعی نداریم پس چگونه می توانیم درباره یک ایرانی در قرن هفتم میلادی اظهار نظر کنیم . تنها باید برحسب مدارک و اسناد نظر داد.

× آیا آن زمان فشار مذهبی بر جامعه حاکم بود. مثلا زرتشتیان آیا بر پیروان ادیان دیگر اعمال نفوذی می کردند؟

– در کتابی که من تالیف کردم سعی کردم در مبحث دین این دید غلط که همه در شاهنشاهی ساسانی زرتشتی بودند را کنار بگذارم. این تفکر زاییده تاریخ نگاری زمان پهلوی است. مویدان زرتشتی می گوشیدند دین را در حیطه خود نگه دارند. اما در مقابل شاهان ساسانی با آنکه خود را مزدا پرست می نامیدند، سعی می کردند دید بین المللی داشته باشند. به همین جهت در این شاهنشاهی ، پیروان دین های گوناگون به راحتی زندگی می کردند: مانویان، بودائیان، هندوان، گروه های مختلف زرتشتی، مسیحیان و یهودیان. که این دو گروه اخیر خیلی هم به دربار نزدیک بودند. تعداد مسیحیان ایران در قرن هفتم شاید به اندازه زرتشتیان بوده است. وانگهی ، منابعی که از مسیحیان قرن هفتم داریم ، خیلی بیشتر از زرتشتیان معاصر آنان است. اسقف های مسیحی تقریبا در همه شهرهای مهم شاهنشاهی ساسانی وجود داشتند و شهرها و نوشته هایشان باقی مانده است. در صورتی که در مورد مویدان چنین نیست.

× در مورد کتاب سوزان اوبایل دوره اسلامی شما چه نظری دارید؟ بعضی این مساله را تایید و برخی رد می کنند. نظر شما چیست؟

– باید ببینم منبعی برای چنین ادعایی وجود داشته یا خیر. من فکر می کنم این هم باز می گردد به بحث های ایدئولوژیکی دهه های ۴۰ و ۷۰ (میلادی) در ایران و آن دید ناسیونالیستی حکومت پهلوی که می گفت: «ما مکتوبات بسیاری داشتیم و اعراب آنها را سوزاندند و از بین بردند.» این دید کاملا غیر علمی است. من فکر می کنم مساله این است که ما هنوز نتوانسته ایم علم تاریخ را از سیاست و احساسی و ذوقی خود جدا کنیم. برحسب منابع، هیچ منبعی نداریم که اعراب از روی قصد مبارع سیاسی را سوزانده باشند. به هر حال برحسب منابع و اسناد در دوره عباسی به غربی ترجمه شده اند.

× ولی روایاتی در دست است. مثلا به گفته دکتر پرویز شهریاری ، پسر عموی طاهر ذوالیمینین که ایرانی هم بود، وقتی فرماندار کرمان می شود هر ساله به جای جزیه، به تعداد افراد خانواده از مردم کتاب می گرفته و آنها را می سوزانده است. طبعا مردم منابع دینی را نگاه می داشتند و کتاب های علمی را می دادند. از این رو، بسیاری از کتاب های علمی آن زمان، مانند «رنج شهریار» که درباره نجوم بوده ، از بین رفته است.

– مسلما است چنین مواردی بوده باشد. اما این دلیل نمی شود که در همه فلات ایران چنین بوده است. احتمال دارد بعضی از امیران عرب این کار را کرده باشند. اما نمی توان گفت تمام منابعی که داشته ایم ، از بین رفته اند. در یکی از منابع پهلوی به نام دینکرد آمده است که اعراب حمله کردند و جایی که مخزن نگهداری اسناد و مدارک بود ، آتش گرفت. اما نمی گوید آنجا را به عمد آتش زدند. مقدار زیادی گل مهر داریم که دور اسناد بودند. گل مهرها همه در هزاران سال مانده اند اما هیچ سندی باقی نمانده است. به هر حال، جنگ بوده و ممکن است این ها در اثر حمله سوخته باشند. در طول زمان، برخی از منابع ترجمه شدند. اما تقریبا همه منابع پهلوی مذهبی است. چون تنها مسایل دینی برای موبدان و زرتشتیان مهم بوده است پس منابع فقهی و قانونی زرتشتی را نسخه برداری و حفظ کردند و سایر منابع در طول زمان از بین رفته اند. به هر حال ، در از بین رفتن منابع ، مسایل مختلفی دست به دست هم دادند و نمی توان گفت که اعراب همه منابع را سوزانده اند. این یک دید ناسیونالیستی شدید است.

× پس به عنوان مثال بخش اول و دوم دینکرد و بخش عظیمی از دینکرد سوم را که از بین رفته، چطور می توان توجیه کرد؟

– دینکرد در بغداد و در دوره عباسی نوشته شده است. همین امر نشان دهنده آن است که آن زمان اجازه کتاب نوشتن داشته اند. حتی فکر می کنم رنسانسی در دوره عباسی به وجود می آید که زرتشتیان برای دفاع از عقاید خود شروع به نوشتن می کنند. منابع زیادی هم از آن زمان داریم. این ها را باید مد نظر داشته باشیم. دیمیتری گوتاس در کتاب خود به نام «فرهنگ یونانی، افکار اسلامی عربی» نشان می دهد که چگونه خلفای عباسی در قرن هشتم میلادی به پیروی از اقدامات فرهنگی خسرو پرویز در قرن ششم میلادی مبنی بر ترجمه منابع سنسکریت و سریانی و یونانی به پهلوی ، شروع به ترجمه تمام منابعی کردند که به یونانی و پهلوی وجود داشت. اصلا بیت الحکمه ، کتابخانه متعلق به عباسیان ایرانی بود. بسیاری از این منابع که ممکن بود از بین بروند، به عربی ترجمه شدند و باقی ماندند.

× آیا به منابع عربی در کتاب شاهنشاهی ساسانی که به تازگی تالیف آن را به پایان برده اید، نظر داشتید؟

– بله . از چند منبعی که لازم بوده استفاده کرده ام. اما من سعی نکردم تاریخ نگاری سنتی قدیم را دنبال بکنم. برای مطالعه قرن ششم میلادی ، تاریخ سیبوس ارمنی (Sebeos) مهم است نه تاریخ فارسنامه ابن بلخی که مثلا پانصد سال بعد نوشته شده است. با آنکه منابع ارمنی معمولا با منابع ایرانی ضدیت دارند، اما منابع بسیار مهمی هستند و با این آگاهی می توان از آنها استفاده کرد. در مبحث تاریخ اقتصادی و سازمان اداری هم می توانیم به منابع اسلامی رجوع کنیم اما باز چندان فایده ای برای مطالعه دوره ساسانی ندارند. در این خصوص ، مهرها، سکه ها و گل مهرها وجود دارند که اوضاع اداری و اقتصادی آن دوره را نشان می دهند.

× برای به دست آوردن دیدی کلی از اوضاع اقتصادی آن دوره باید به چنین منابعی رجوع کرد نه منابع کتبی بعد از این دوره. در مبحث تاریخ سیاسی ، با آنکه تاریخ طبری منبع مهمی است ، اما باید به تاریخ دست اول آن دوره رجوع کرد. به این منظور ، برای بررسی قرن سوم به اثر آمیانوس مارسلینوس، تاریخدان رومی و نیز هرودین مراجعه کردم. با این شیوه ، تاریخ سیاسی را نوشتم و آن را با کشته شدن یزدگرد سوم به پایان نبردم بلکه درباره پسر و نوه های او هم صحبت کردم.

× در منابع پهلوی بیشتر به چه چیز توجه داشته اید؟

– هر کدام از این منابع کاربرد به خصوصی دارند. مثلا از متون پهلوی نمی توان به عنوان یک منبع تاریخی کرونولوژی استفاده کرد. اما همین متون در مبحث جامعه ساسانی ، در خصوص برخی قوانین ، رفتارها، برداشتها درباره زنان، قوانین مربوط به اوضاع ازدواج و زناشویی به خواننده و محقق این متون دید می دهند. با اینکه ممکن است این مسایل در دوره اسلامی تغییراتی کرده باشد اما باز هم سنت دوره ساسانی را حفظ کرده اند، بنا بر این منابع بسیار مهمی هستند. به این ترتیب، از منابع پهلوی بیشتر برای مبحث جامعه ساسانی و ادبیات ساسانی استفاده کرده ام.

× چطور شد که این کتاب را درباره ساسانیان نوشتید؟

– از زمانی که آرتور کریستن سن در سال ۱۹۴۴ کتاب معروف خود، «ایران در زمان ساسانیان» را نوشت، هیچ کتاب دیگری به زبان فارسی که کتاب موثقی در باره تاریخ ساسانی باشد، تالیف نشده بود. کتاب فوق به چاپ هفتم و هشتم هم رسید و به دلیل تعدد چاپ ، در منابع و به خصوص زیر نویس ها غلط های راه یافت. از این رو، دکتر «حسن رضایی باغ بیدی» تصمیح آن را به عهده گرفت و پس از آن چاپ شد. اما مساله مهم این است که در پنجاه سال اخیر کشفیات زیادی انجام شده که به کمک آنها می توانیم بسیاری از نقاط تاریخ ساسانی را دریابیم و بنویسیم. به همین دلیل لازم بود این کار در کتاب جدیدی صورت بگیرد. البته کتاب مهم و دو جلدی تاریخ کمبریج به زبان انگلیسی هست که آن مربوط به دو دوره اشکانی و ساسانی است و بسیار هم گران. کتاب کوچک دیگری هم درباره تاریخ ساسانی به زبان آلمانی نوشته شده اثر کلاوس شیپمان که آن هم به فارسی ترجمه نشده است. من در این کار خواستم تحقیقی کلی از همه کارهایی که از زمان کریستن سن تا کنون انجام شده، ارایه دهم و تاریخ ساسانی را در یک جلد بنویسم. این کتاب به زودی به انگلیسی هم منتشر می شود. متاسفانه در خارج از کشور هم همین مشکل وجود دارد. بدین معنی که حتی یک کتاب ممیز از مورد تاریخ ساسانی به زبان انگلیسی نداریم. در صورتی که درباره دوره روم صدها کتاب هست. و این مهمترین دلیلی بود که من این کتاب را نوشتم.

× آیا شما همه آثاری را که در این نوشته شده بود، ملاحظه کرده اید، ملاد کتاب «دین و دولت در عهد ساسانی» اثر دکتر شیرین یپانی.

– بله. البته کتاب ایشان کمی جدیدتر است. من کتاب های استادان ایرانی را خوانده ام و از آن ها استفاده نیز کرده ام. اما تفاوت کتاب من با کتاب هایی که در ایران چاپ می شود، این است که متاسفانه در ایران به منابع مهم دوره ساسانی دسترسی نیست. آنچه تاریخ دست اول محسوب می شود، کتیبه های ساسانی و نیز سکه های این دوره است. البته کتاب های مهمی هم در ایران منتشر شده است. به خصوص کتاب دکتر شیرین یپانی به نام «شاهگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان» که انتشارات دانشگاه تهران به سال ۱۳۵۵ آن را منتشر کرده است. همچنین کتاب بانو ملکزاده بیانی در مورد تاریخ سکه که از هر دو کتاب بهره برده ام. از کتاب «تنسر نامه» به زبان پهلوی نیز بسیار استفاده کردم. آن که نامه تنسر متاخر است و بعد از دوره ساسانی نوشته شده باز هم منبع بسیار مهمی است. اما کشفیات جدید، به خصوص مهرهای اداری ، منصب های جدیدی که پیدا شده ، کارهای جدیدی که بر این دوره از تاریخ ایران صورت گرفته ، بیشتر مد نظر من بوده اند.

× بر خلاف این کتاب شما در کتاب نخست خود بررسی فروپاشی ساسانیان را تنها در یک محدوده خاص انجام دادید. چرا؟

– کتاب «فروپاشی ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان» رساله دکتری من بود. این کتاب سال گذشته در ایران منتشر شد اما متاسفانه ترجمه قابل قبولی از آن ارائه نشد. قرار است این کتاب تا ماه آینده با تصحیح روزبه زرین کوب دوباره منتشر شود. در این کتاب ، من فروپاشی ساسانیان را فقط در یک استان، استان فارس ، بررسی کردم و فکر هم می کنم که ارایه دیدی کلی از فلات ایران اشتباه است. به این منظور باید فروپاشی ساسانیان را در هر استان بررسی کرد. استاد خودم، دکتر مایکل موروئی، این پژوهش را درباره عراق و همکارم پروانه پورشریعتی از دانشگاه اوهایو، درباره خراسان انجام داده اند. سی.یی.بازورت Bas worth هم کارهایی درباره سیستان کرده است. نتیجه تمام این پژوهش ها را باید کنار هم گذاشت. کتاب مهمی نیز جمشید چوکسی دارد به نام (Conflict and Cooperation) این کتاب را انتشارات ققنوس با نام «ستیز و سازش ، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده های اسلامی» با ترجمه نادر میرسعیدی در ۱۳۸۲ منتشر کرده است). این کتاب نیز اطلاعاتی کلی درباره چگونگی برخورد جامعه زرتشتی با کسانی که این شاهنشاهی را تسخیر کردند، ارایه می دهد.

من اثرات حمله مسلمانان را بر استان فارس از لحاظ اداری و اقتصادی بررسی کردم، همچنین به بررسی واکنش مردم فارس در برابر اعراب پرداختم. این مساله که بر بررسی تک تک استان ها در آن برهه تاریخ تاکید دارم، به این دلیل است که اعراب مطمئنا در هر استانی با واکنش های متفاوتی روبرو شده بودند و برخورد آنان در استان آذربایجان با عراق یا فارس متفاوت بوده است. تنها پس از بررسی همه استان ها و کنار هم قراردادن کلیه داده ها می توان به نتیجه مشخصی رسید.

شناخت انتقادی فرازی از نظریه هابرماس

بورگن جیمی برخلند

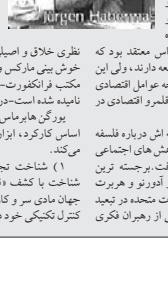

در تفکر هابرماس آن جا بازتاب می یابد که شکست آلمان(و دیگر کشورهای صنعتی سرمایه داری)را در تحقق آرمان های برابری ، آزادی و دموکراسی دوره روشن گری به نقد می کشد، در حالی که در همان حال ، امکانات مثبت متعددی در این جوامع مشاهده می کند.

هابرماس در این دوره جوش و خروش فکری ، به مارکسیسم روی آورد، اما مارکسیسمی که با تاویل و تفسیر سنتی آن کاملا متفاوت بود. مثلا، هابرماس تصور نمی کرد که دگرگونی انقلابی جامعه به دست طبقه کارگر دارای آگاهی طبقاتی ، ایجاد خواهد شد، و تصور می کرد مارکس ، به اشتباه، قلمرو عمومی-از جمله عرصه سیاسی-را به شالوده ای اقتصادی تقلیل داده است. اگر چه هابرماس معتقد بود که عوامل اقتصادی تاثیری ژرف در دیگر ابعاد جامعه دارند، ولی این نظری زمانی است که سیاست و فرهنگ صرفا نتیجه عوامل اقتصادی هستند، بلکه باید آن ها را تا اندازه ای مستقل از قلمرو اقتصادی در نظر گرفت.

هابرماس همانندی هایی میان تفکرات اولیه ال دربار ه فلسفه و سیاست ، و نوشته های اعضای انستیتوی پژوهش های اجتماعی که به مکتب فرانکفورت معروف است ، یافت. برجسته ترین اعضای این مکتب ، ماکس هورکهایمر ، تئودور آدورنو و هربرت مارکوزه، هم زمان با جنگ جهانی دوم در ایالات متحده در تبعید سیاسی بودند. مارکوزه در آن جا ماند و به یکی از رهبران فکری جنبش چپ نو آمریکا در دهه شصت تبدیل شد، اما هورکهایمر و آدورنو پس از جنگ به آلمان بازگشتند و این مکتب را احیا کردند.

هابرماس در اواخر دهه پنجاه همراه با آن ها به مطالعه می پرداخت ، و دستیار پژوهشی آدورنو بود. هابرماس سرانجام برجسته ترین نماینده «نسل دوم»مکتب فرانکفورت و وارث بینشی سیاسی و فلسفی شد که اغلب «بینش نو مارکسیست» توصیف گردیده است. این عنوان تاثیر اندیشه های گوناگون را در هابرماس چنان که باید نشان نمی دهد.مثلا، از میان متفکرانی که در این جا به آن ها پرداخته شد، دیور و پارسونز عمیقا در او تاثیر گذارده اند. نتیجه عبارت است از سنتز نظری خلاق و اصیلی که در آن هابرماس کوشیده است راهی بین خوش بینی مارکس و پارسونز و بدبینی دیور و رهبران فکری اش در مکتب فرانکفورت-یعنی سخن گویان آن چه «چپ ملیخولیایی» نامیده شده است-در پیش گیرد.

یورگن هابرماس در کتاب «دانش و علایق انسانی»(۱۹۶۸م)بر اساس کارکرد، ابزار و هدف ، سه گونه شناخت را از هم متمایز می کند.

۱) شناخت تجربی-تحلیلی یا شناخت علمی: این نوع شناخت با کشف «قوانین» و شناخت قانونمندی های هستی و جهان مادی سر و کار دارد و به انسان کمک می کند تا محیط را به کنترل تکنیکی خود در آورد. فیزیک ، علوم فنی ، و علوم اجتماعی از جمله این شناخت ها هستند. واسطه کسب این شناخت کار و تجربه است.

۲) شناخت تاویلی- تاریخی: این نوع شناخت با «فهم» متون تاریخی و کشف «معانی»نهفته در موقعیت ها سر و کار دارد و زبان واسطه تحقق عملی این شناخت است. تعلق یا نیاز بنیادینی که شناخت تاویلی به آن پاسخ می دهد نیاز به استمرار و تداوم تاریخی است.

۳) شناخت انتقادی: این شناخت موقعیت های فشار و روابط سلطه را نشان می دهد و نیاز یا تعلق مربوط به آن نیاز به آزادی و رهایی از سلطه برای رسیدن به بهروزی است و «اقتدار» واسطه تحقق نیاز به رهایی از راه شناخت انتقادی است. در سطحی عام تر شناخت انتقادی ابزار تحقق «آرمانشهر» است.

هدف هابرماس از مقوله بندی مذکور نشان دادن این نکته است که در قرون اخیر در جامعه غرب «شناخت تجربی- تکنیکی» بر سایر شناخت ها اخیر سلطه داشته است تا آنجا که علوم اجتماعی نیز به ابزاری در خدمت منافع سیاسی و اقتصادی تبدیل شده و به صورت یک ایدئولوژی با جانبداری های ارزشی در آمده است.

از این رو هابرماس معتقد است علم تجربی باعث بحران مشروعیت در غرب شده است. هابرماس برای رد چنین علم اثبات گرایانه ایی طرح نظری برای «شناخت تاویلی انتقادی» که به «فهم»موقعیت ها و فرآیندهایی که منجر به درک افراد از یکدیگر می شود و به حیات اجتماعی معنایی از استمرار می بخشد، ارایه می کند.

در این طرح نظری نظریه انتقادی بر فرآیندهای ارتباطی میان کنشگران و تجزیه و تحلیل زبان متمرکز می شود. هابرماس معتقد است اهداف رهایی بخش جز از راه شناخت اینکه چگونه افراد با هم تعامل و ارتباط برقرار می کنند، میسر نمی شود.

ایران زمین

نسرین سیفی

پنجره ای روبه ایران

بچه ها این نقشه جغرافیاست
بچه ها این نقطه اسمش آنیاست
شکل یک گربه در اینجا آنشاست
بچه ها این گربه ،ایران ماست

در کتابهای درسی ما ،درباره ایران و ایرانی ، با چنین مفهومی بر خورد می کنیم ؛ آریاییان دسته ای از اقوام هند و اروپایی بودند که در مسیر عبور خود از ایران ، در این سرزمین ساکن شدند ، و بعد قصه آغاز می شود .

در لغت نامه دهخدا ، در مقابل کلمه ایران آمده است ،ایران :پهلوی اران به کشور ایران در عهد ساسانی اران - شتر می گفتند در عصر هخامنشی،یی ریا به نام قوم ایرانی بود و این کلمه را قوم قفقاز بصورت ایرون ، ایرو ، ایر، به خود اطلاق کرده اندکلمات آریا، آریاییان وایران وامثال آن که در زبان باقی مانده از این کلمه گرفته شده است .

پیش از مهاجرت آریاییان ، در این سرزمین ، اقوامی از نژادهای متفاوت با تمدن های مشابه می زیستند که اطلاع محدودی از آنان دردست است . از میان قوم عیلامیان تمدن قابل توجه که حدود هزار وچهار صد سال پیش از میلاد مسیح شروع میشد.

در حدود هزاره دوم پیش از میلاد ، طوایفی ازنژاد سفید پوستان راه جیحون وکوههای قفقازبه داخل نجد ایران روی آوردند . این قبایل شعبه ای از نژاد سپید پوست هند و اروپایی بودند که نزدیک سه هزار سال پیش از میلاد مسیح از هم نژادانی خود جدا شده بودند و به آسیای مرکزی مهاجرت کردند ودسته ای از آنها هم ظاهرا در ناحیه ای نزدیک دریای خوارزم که در اوستا ایران واجه و ایران ویج نامیده شده است بسر می بردند . مجموع این اقوام به دو دسته اصلی تقسیم شدند که دسته ای که خود از چند شعبه زورمند تشکیل می شد سک ودسته دیگری که متمدن تر از دسته نخستین بود . اری نامیده میشدند.

دسته ای که خود را اری یعنی شجاع وشریف می نامیدند . کم کم بر دره سند وقسمتی ازاراضی هندوستان مسلط شدند وآنها را اری ورست خواندند شعبه دیگر که ایری و ایرین خوانده شده اند . درنجد ایران سکونت گرفتند و همین سرزمین است که بعد ها در ماخذ تاریخی و جغرافیای قدیم ،ایرانشهر به معنی مملکت ایرانی به کار رفته است.

در مغرب زمین از قرون وسطی به ناحیایی از قبیل ، پرس (به لهجه فرانسوی) وپرشا(به لهجه انگلیسی) مقتبس از لفظ پرییس که نام یونانی قسمتهایی از ایران (کمابیش) مطابق فارس بوده ، بر میخوریم پس در سال ۱۹۳۵ بر طبق تقاضای دولت ایران به جای پرس پرشا وغیره کلمه ایران پذیرفته شد ونام این کشور به ایران تبدیل گردید.

ماخذ: لغت نامه دهخدا

احمد شاه زنده است

رحیم قنادیانی

احمد شاه مسعود درگذشت . این شوم خبر را باور نمی کنند ، «دروغ » و « افسانه » می دانند . چرا که « شیر پنج شیر » خود به افسانه تبدیل یافته است .

افسانه واقعی ، افسانه زنده همیشه زنده .

احمد شاه مسعود ارتش شوروی سابق را که از ارتش های پر قدرت ترین جهان بود ، شکست داد . همین شکست در نظام آهنین شوروی رخنه پدید آورد و سرانجام به سرش آمد هم ریخت.

جبهه افغانستان فرمانده بسیار داشت که در این سالیان پر افتیت یکایک به حاشیه رفتند . جز از احمد شاه که در میدان ایستاد ، مردانه ایستاد .

و خواهد ایستاد و خواهد ماند ، برای همیشه .

ماندنش دارد او دلیل بود.

نخست – همگان می دانند که وی نفسش را در اختیار داشت . در حالی که دیگران چون پایشان به رکاب دولت رسید ، غلام اژدهای نفس می شدند ، و اما احمد شاه اژدها را زین کرد و سوار شد . سوار شد و مهمیز می زد ، هر سویی دلش می خواست . همان سوی می راند . آنهایی که دیده اند ، می گویند که وی یک زندگی پاک و ساده و عارفانه داشت .

دوم – هدفش والا بود ، بسیار والا : یکپارچه کی کشور عزیز ،اتحاد و همزیستی آساهمه قوم و ملیت های مسکون این سرزمین باستانی چه تاجیک و پشتو ، چه هزاره و ازبک ، چه ترکمان و غیره .

افغانستان ، همانند تاجیکستان ما ، و بعضی کشورهای دیگر ، دشمن و بدخواه بسیار دارد . دشمنان دور و نزدیک ، بنا بر دلیل هایی نمی خواهند در این منطقه مهم ، امن و امانی باشد ، مردم روز و روزی داشته باشند .

این دشمن بی رحم را می توان به دو گروه جدا کرد : یک سلاح فروشان ، دیگری جاه طلب ها .

و اما گروه سوم – عموم مردم که نیروی اساسی هم هست ، اگر بیدار و هوشیار است ، از گوش جاه طلب های خود می کشد و اما این در جامعه سالم است ، جامعه ای مفهوم « دموکراسی » نه در سخن ، بلکه در عمل جامه می پوشد .

و اما مردم – مردم است ، همه جا یکسان نیستند ، به ویژه کشورهایی که استبداد حکومت می کند . نکته این جاست که چون حکومت دارا خودی استبدادی هستند ، نسبت به رعیت خود رفتارهای دشمنانه انجام می دهند ، چرا که منافع در جهالت مردم دارند و اما در جامعه های معتدل حکومت دران همه تلاش را به خرج می دهند تا اندیشمندان مردم را با دوست و دشمن آشنا بکنند ، راه بهترین را نشان بدهند ...

بیش از بیست سال دشمن کوشید که احمد شاه را از میان بر آن بتواند ناچار را وحست به اقدام نامرداند هم زد . و سرانجام از همین راه نامرداند به هدف ناپاک خود رسید .

در واقع امروز نشانی از مردی و جوانمردی نمانده و اگر خدای ناکرده دنیا فردا به کام نیستی کشیده شود دلیلش همین چاه سیاه ناجوانمردی خواهد بود .

شمن گمان کرده که با پراندتن احمد شاه ، تمام خاک افغانستان را به دست خواهد آورد . گمانی خام دارد این دشمن : جنگل پنج شیر تنها یک شیر ندارد .

باور بر این است که همه نیروهای میهن خواه افغانستان – چه آنکه در درون هستند و چه آنکه در بیرون هستند و در هر جبهه ای هم که باشند به خاطر یک هدف ، هدف عالی : افغانستان یکتا و یگانه و آزاد و از بیگانگان و بدخواهان ، قیام بکنند که پیروز هم می شوند .

این دلاوران الگوی زنده و رخشان خود را دارند . کارنامه جانانه احمد شاه که اخترسعد نصیب ابدی اوست .

امید بر این است که در این روزگار پر خطر اهل کشور خود شناخته اند و ارزش های زندگی ساز اشتراک اتات زبانی و فرهنگی را به درستی درک کرده اند . باور بر این است گام هایی برداشته خواهد شد دوراندیشانه .

شش تا هفت هشتاد و سه

بوذرجمهر برخیده

۱ چالش جدید!

اقتصاد ایران ،اکنون در سال پایانی برنامه سوم توسعه با چالش جدیدی مواجه شده است که درصورت عدم اتخاذ یک راه حل مناسب ، می رود تا بحران دیگری را در پیش روی ایران قرار دهد. به نظر می آید حساب ذخیره ارزی که از دستاوردهای مهم دولت خاتمی در برنامه سوم توسعه بوده است ، دستاویزی برای اهداف جناح های سیاسی کشور شده است.

در سال ۱۳۷۸ خ که برنامه سوم توسعه تدوین می شد، روانشاد دکتر محسن نوربخش رییس کل وقت بانک مرکزی طرح ایجاد صندوق ذخیره ارزی را به دولت پیشنهاد داد که سریعاً مورد قبول اعضای دولت قرار گرفت و در لایحه برنامه سوم توسعه گنجانده شد.

براساس این طرح ، دولت مازاد درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام را باید به این حساب واریز کند. به دنبال تصویب قانون و آیین نامه هایی که برای برداشت از این حساب نوشته شد، ۵۰ درصد از موجودی این حساب در اختیار دولت قرار می گیرد تا در کنترل نوسانات قیمت ارز ، کسری بودجه و نیز پیشبرد طرح های عمرانی با تصویب مجلس استفاده کند. ۵۰ درصد دیگر باید طبق قانون در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد تا در طرحهای تولیدی و اشتغال زایی از آن استفاده شود.

سابقه سه سال گذشته استفاده از این موجودی نشان می دهد که جدا از دولت ، برخی از بخش ها و گروه ها خیزهایی برای برداشت های جاری و هزینه کردن موجودی آن برداشته بودند.

اخیراً هم طیفی از نمایندگان مجلس برای هزینه های جاری اقدام به تصویب طرحی کرده اند که در صورت تأیید شورای نگهبان ، دولت باید معادل ۹۰۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی برداشت کند تا صرف تأمین نیازهای کمیته امداد و نیز سازمان بهزیستی گردد. پیش از این نمایندگان مجلس خواستار برداشت ۹۰۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی برای جبران خشکسالی بودند. این نوع خرج برخلاف اهداف اولیه ایجاد حساب ذخیره ارزی است که واکنش های متفاوتی را در میان کارشناسان برانگیخته است.

۲ درختان کهنسال یزد در خطر نابودی

اکثر درختان دیر زیست استان یزد که بین ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ سال عمر دارند ، علاوه براینکه جزو مهمترین ذخایر ژنتیکی گیاهی به شمار می روند، مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی و علاقه مندان به طبیعت نیز هستند.

سال گذشته سرو ۴۵۰۰ ساله شهرستان ابرکوه به عنوان یکی از مشهورترین درختان دیر زیست از سوی شورای عالی محیط زیست به عنوان میراث ملی و طبیعی کشور به ثبت رسید.

از مهمترین درختان کهنسال استان می توان به چنار کرخگتان شهرستان خاتم، چنار باچگان بافق ، سرو منگ آباد مهریز ، سروچم در شهرستان نفت ، سرو و چنار چک چک در اردکان ، سرو خرطبی ، درختان کهنسال نه و زبان گنجشک در نقاط مختلف اشاره کرد.

در گزارش موسسه تحقیقات جنگل و مرتع ، اعتقادات و باورهای مردمی از دلایل حفظ درختان دیر زیست عنوان شده است. بسیاری از این درختان برای مردم مقدس بوده و یا داستان ها و افسانه های متعددی در آنجیخته است. به عنوان مثال: درخت سرو خرد در شهرستان طبس با قدمتی حدود ۴۰ هزار سال از تقرب خاص نزد اهالی برخوردار است. اهالی محل شبهای جمعه در آن چراغی می افروزند و به آن پارچه بسته و مراد خود را طلب می کنند.

چنار چک چک ۱۴۰۰ سال سن دارد و در نظر زرتشتیان بسیار مقدس است. این درخت تاکنون دو مرتبه تحت تأثیر ریزش کوه شکسته و دوباره روییده است. اهالی روستای همجوار به چنار تنگ چنار مهریز اعتقاد دارند، این درخت هر هزارسال یکبار خود به خود آتش می گیرد و خاموش می شود و برای دومین بار حدود ۲۰ سال پیش درخت آتش گرفته است.

بنا به اظهار کارشناسان، تعدادی از درختان دیر زیست به واسطه برهم خوردن اکو سیستم طبیعی و مدیریت نادرست در معرض خطر نابودی قرارگرفته اند. فرو افتادن سرو فیروزآباد صدوق با ۱۷۰۰ سال سن در بهار سال گذشته نمونه ای از این دست به شمار می رود. این درخت با شکوه، بر اثر وزش توفان و به واسطه عدم مراقبت صحیح و علمی از ناحیه تنه شکسته شد و از بین رفت.

براساس تحقیقات انجام شده تمام سروهای کهنسال موجود در استان یزد از یک پایه ویریشه بوده، بدین معنی که از یک درخت تکثیر شده اند و این امر با تفکرات ایرانیان باستان مطابقت دارد. درختان دیر زیست هاتند تمام موجودات زنده روند تکاملی پیچیده ای را تا شرایط موجود طی کرده اند که از نظر ملی و طبیعی با حفظ ابنیه تاریخی کشور برابری می کند.

براساس پیگیری های انجام شده درختان کهنسال نظیر سرو منگ آباد مهریز، سرو خروطبی و چنار کرخگتان شهرستان خاتم دارای پلاک میراث فرهنگی هستند.

۳ بقایایی از ناوگان جنگی داریوش در یونان کشف شد

گروهی از پاستان شناسان یونانی ، کانادایی و آمریکایی دومین دروکاوش خود را برای به دست آوردن اشیای موجود در ۳۰۰ کشتی ناوگان جنگی داریوش دوم به اتمام رسانده اند.

این ناوگان دریایی که توسط داریوش ، پادشاه هخامنشی ، برای حمله به یونان گسیل شده بود، پیش از رسیدن به خاک یونان در سال ۴۹۲ یا ۴۹۳ پیش از میلاد در اثر توفانی در شبه جزیره آتوس در شمال یونان غرق شده اند. هرودوت مورخ یونانی در نوشته های خود به ماجرای غرق شدن ناوگان دریایی ایران اشاره کرده است.

تاکنون باستان شناسان با استفاده از یک روبات کنترل از راه دور تا عمق ۶۰۰ متری پایین رفته و مساحتی معادل ۱۵۰ کیلومتر از بستر دریا را بررسی کرده اند. از جمله یافته های آنها می توان به چندین کوزه با دودسته اشاره کرد که برای حمل شراب از آنها استفاده می شده و پیکان برنزی یک نیزه که در یکی از کوزه ها حفظ شده است.

پروفسور جان هیل از دانشگاه لوییزویل کنتاکی می گوید: «اگر چیزی به نظر مان جالب و یا ارزش برسد، با زیر دریایی های دونفره برای چک کردن آن به زیر آب می رویم.»

کشتی جنگی کلاسیک ایرانی ها که پس از نبرد سالامیس در سال ۴۸۰ پیش از میلاد باعث تفوق آنها بر کشورهای دیگر شد. علاوه بر بادبان در هر طرف دارای سه ردیف پارو بوده، ۳۷ متر طول داشته و کناره های آن با برنز پوشانده شده بود. با احساب شش ردیف پارو هر کشتی ایرانی ۱۷۰ پاروزن داشته که باعث می شده است کشتی بتواند با سرعت ۱۰ گره دریایی حرکت کرد و به ناوهای چوبی دشمن بکوبد.

ناوگان داریوش دوم تحت کنترل ایرانی ها بوده است اما ایرانی ها خود در دریانوردی سر رشته ای نداشتند و به طور معمول کشتی های خود را از شهرهای یونانی تحت کنترل خود در ترکیه تهیه می کردند.

۴ متوسط قد ایرانیان کاهش پیدا کرده است

اصلاح رژیم غذایی یک دهه به طول عمر افراد جامعه اضافه می کند، پیوند میان متخصصان فنی با سیاستمداران می تواند بسیاری از مشکلات تغذیه را حل کند. وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی در آغاز مراسم هشتمین کنگره تغذیه ایران ضمن اعلام این مطلب افزود: مشکلاتی مانند چاقی ، فشارخون ،بیماری های قلبی و عروقی ، سکته مغزی و نارسایی کلیه همه به شکل مستقیم و غیر مستقیم با تغذیه ارتباط دارد. چنانکه متوسط قد و قدرت ذهنی ایرانیان به دلیل سوء تغذیه کاهش پیدا کرده است.

وی افزود: برای رسیدن به موفقیت هرچه بیشتر ارتباط تنگاتنگ متخصصان تغذیه و سیاستمداران الزامی است و صحبت پشت درهای بسته و عدم انتقال تجربیات به مجریان سودی ندارد. برای پیشگیری از بیماری های غیر واگیر نظیر پوکی استخوان ، بیماریهای قلبی و عروقی و دیابت ناگزیر به اصلاح وضعیت تغذیه هستیم.

دکتر محمد اسماعیل اکبری معاون سلامت وزارت بهداشت نیز در این همایش گفت: اختصاص ۱۰۰۰ میلیارد تومان هزینه برای یارانه مواد قندی و چربی از دیدگاه ما امری ناپسند است و هر مصرف مواد غذایی در ایران وضعیت چندان مناسبی را نشان نمی دهد. در این هرم تنها ۴۰ درصد مردم پروتئین وانرژی بالا دریافت می کنند و ۲۰ درصد انرژی و پروتئین پایین به بدنشان می رسد.

وی افزود: باید شرایطی برای مردم فراهم شود که بتوانند از شیر و مواد لبنی به اندازه کافی برخوردار باشند و در واقع امکان تهیه غذا و امنیت غذا برای جامعه ایجاد شود.

دکتر اکبری همچنین افزود: بحث تغذیه و فروش مواد غذایی نظیر دخانیات در دنیا درگیر مسائل تجاری است با این تفاوت که تجارت شکر چندین برابر تجارت دخانیات است. بنابراین باید با بحث های علمی و آگاهانه در این جهت حرکت کنیم، براساس پروتکل سازمان جهانی بهداشت میزان مواد قندی مصرفی در دنیا باید یک سوم میزان کنونی کاهش پیدا کند تا مشکلات اقتصادی و اجتماعی در زمینه تغذیه به گونه ای حل شود.

۵ کشف پایه های شهر تاریخی هخامنشی در نزدیک بم

باستان شناسان در محوطه های باستانی کشف شده در نزدیکی شهر تاریخی بم و بروات ، آثاری از سکونت و استقرار دوران هخامنشی را کشف کردند.

این باستان شناسان درچند ماه گذشته در بررسی های خود با استفاده از بررسی های باستان شناختی و نقشه برداری های هوایی و زمینی در منطقه بم ، محوطه های باستانی و قدیمی ترین سیستم های قنات باستانی را که در خود آثاری از دوران هخامنشی تا دوران اسلامی جای داده است ، با بیش از ۲۰ کیلومتر شناسایی کردند.

شهریار عدل ، باستان شناس و کارشناس پروژه ارگ بم در این باره به میراث خبر گفت: در بررسی های انجام شده روی سفالهای سطحی و محوطه های باستانی کشف شده و در نزدیکی بم ، توانستیم آثار یک قطعه با ۴۰۰ متر مربع وسعت را شناسایی کنیم که در اطراف آن خانه ها و منازل مسکونی جای گرفته است.

وی با اشاره به این که استقرار شهر هخامنشی کشف شده در این محوطه به یک کیلومتر مربع می رسد، افزود: با توجه به سیستم قنات شناسایی شده و انبوه سفال هایی که روی این محوطه ها وجود دارند، پیش بینی می کنیم که این استقرار شهری ، روستایی و صنعتی باشد که حدود قرون ۶ و ۷ پیش از میلاد شکل گرفته است.

۶ دانشنامه کاشان

دانشنامه کاشان پژوهشی سترگ است درباره پیشینه فرهنگی و تاریخی کاشان و کاشانیان که به همت «بنیاد فرهنگ کاشان» و به قلم نویسندگان و ایران پژوهان کشورمان ، به تدریج ، حداقل در ده جلد تدوین خواهد شد.

اما ، سخن تازه ومهم این کتاب رد «فرضیه اثبات نشده کوچ آریاییان»است. نویسنده پس از بحث های مفصل برای اثبات اعادی خود، چنین می آورد: «پس از مرور شاهدهایی که در این کتاب آمده ، این پرسش پیش می آید که آیا استدلال های گذشته درباره «کوچ آریاییان به فلات ایران» می تواند در برابر انبوهی از شاهدهای مستقل که گویای حضور دیرین آنان در این پهنه اند، ایستایی کند؟ ... با نگاه به پژوهش حاضر ، نه تنها می توان در «فرضیه کوچ آریاییان» شک کرد ، بلکه باید آن را فرضیه ای سست و «بی گمان مردود» خواند و آن را وخامت ... ناگزیر ساخت. در برابر، باید با رغایت بی طرفی علمی ، ولی با اعتماد به نفس شایسته، به میراث فرهنگی ایرانیان پرداخت» ، کتاب برای اثبات ادعای خود ، شواهد فراوانی را از حوزه های تاریخ ، زبان شناسی ، باستان شناسی و نام شناسی به خدمت می گیرد. دیگر ویژگی برجسته کتاب استفاده از تصویرها ، طرح ها و نقشه های پر شمار از دوره های مختلف تمدن آریایی است.

در این اثر پژوهشی ، توجه ویژه ای به مردم کاشی شده است زیرا به باور نویسنده: «از این قوم، بیشترین آثار فرهنگی ، مدنی و تاریخی در منابع بیگانه برجای مانده است. ازجمله می توان از وام واژه های شایان توجهی یاد کرد که ازمردم کاشی در زبان های بیگانه دوران کهن ثبت شده و به ما رسیده است. از این راه، بررسی ریشه تاریخی و تبار این قوم میسر می شود. همگامی مردم کاشی با دیگر مردم آریایی در روزگارکهن ، پیوند تازه ای بر تاریخ فرهنگی ایرانیان در دوران پیش از تاریخ می افکند. از این رو ، پرداختن موشکافانه به این قوم در حقیقت توجیه علمی دارد.»

۷ جملات قصار نفر اول کنکور

رتبه اول کنکور رشته های علوم تجربی ، سعید خواهشی نام دارد که گفت و گویی به دلایل موفقیت خوبه کننده خود پرداخته است. وی ۱۸ ساله است و از شاهد شهر رشت. در دبیرستان شاگرد اول یا دوم بوده و از سال سوم دبیرستان و دوره پیش دانشگاهی شروع به جدی درس خواندن برای کنکور کرده است.

او در پاسخ به پرسشی درباره میزان مطالعه اش در روز گفت: «من در طول این دو سالی که برای کنکور درس می خواندم بیشتر وقتم را ـ به طور مفید حدود ۱۰ ساعت در روز ـ مطالعه می کردم.» او که اطلاعات موجود در کتاب های درسی را کافی می داند، درباره چگونه درس خواندن می گوید:« اطلاعات کتاب های درسی کافی است درصورتی که شخص به آن اطلاعات کاملاً مسلط باشد و بداند که از آنها چطور می شود سوال در آورد و نه اینکه فقط کتاب را حفظ کرده باشد.»

وقتی از او پرسیدم از موفقیت در کنکور چیست؟ سعید جواب داد: «نکته اصلی ، برنامه ریزی درست برای کنکور و بعد تلاش و پشتکار خیلی مهم هست.»

سعید درباره جلسه امتحان و جو رایج در آن می گوید: «من فکر می کنم که در ایران جوی برای کنکور هست که همه به دنبال کلاس کنکور هستند و شرکت در این کلاس ها را رمز قبولی در کنکور می دانند و تبلیغاتی که این کلاس ها انجام می دهند برای اینکه بچه ها را به سمت خودشان جذب کنند باعث می شود که برای دانش آموزان استرس زیادی ایجاد بشود و کنکور از آن چیزی که هست بزرگتر به نظر بیاید. من کلاس کنکور نرفتم ولی درس زیست شناسی را به صورت خصوصی معلم داشتم.»

در پاسخ به این پرسش که «آیا کلاس های کنکور تاثیری دارند یا اینکه معلمان خصوصی بهترند؟» رتبه اول کنکور تجربی جواب می دهد: «بستگی به شخص دارد، ممکن است که یک نفر در یک درس خاص ضعیف باشد یا نتواند آن را بخواند که در این صورت معلم خصوصی یا کلاس تقویتی میتواند کمک کننده و راهنمای خوبی برای آن شخص باشد، ولی این عوامل تنها عامل قبولی نیستند و تلاش فرد هم خیلی مهم هست. در مورد درس های حفظی باید چند بار آنها را خواند و تمرین زیادی داشت.»

سعید در مورد نقش اعتماد به نفس در کسب رتبه اول توضیح می دهد: «اعتماد به نفس تا حد زیادی استرس را کاهش می دهد که آدم بتواند آن چیزهایی را که بلد هست ، درجلسه کنکور به بیاد بیاورد و از معلوماتش استفاده کند.»

۸ لیلی گلستان و هنرهای تجسمی

ترجمه ماندگار و شیوای لیلی گلستان از «تیستوی سبز انگشتی» (از یاد نمی رود، بعدها هم ترجمه هایی که از کالوئیو و رومن گاری ارائه کرد، او را بدل به یکی از مترجمان گزیده کار ایران کرد. گلستان علاوه بر ادبیات دستی هم در حوزه هنرهای تجسمی دارد. اواین روزها سرسریتی یکی از بزرگترین مجموعه کتاب های تجسمی را به عهده گرفته است که با همکاری نشر دیگر فرار است هرسال سیت جلدازاین مجموعه منتشرشودگلستان میگوید:تالامروزنزدیک به بیست جلدازاین مجموعه منتشرشده است وتاپایان مهرماه به جلد دیگر از این مجموعه منتشر می شود. مقالاتی که در این کتاب ها آمده اند سیر زمانی مشخصی ندارند برخی از آنها مربوط به شصت سال گذشته است و برخی دیگر مربوط به سال ۲۰۰۴ ، تنها مسأله ای که در گزینش کتاب ها در نظر گرفته می شود، سندیت و تأثیر گذاری این مقالات است. در این سری منتشر می شود. دین این مجموعه در ادامه گفت: «تصمیم داریم هر سال بیست جلد و هر بار ده جلد از مجموعه هنرهای تجسمی معاصر را منتشر کنیم

خوشبختانه استقبال از این مجموعه زیاد بود. از طرفی قیمت پایین این کتاب ها باعث می شود این مقالات و بحث ها در دست اهل اش برسد، فکر می کنم جای چنین مجموعه ای در میان آثار منتشر شده ، حوزه تجسمی خالی بود.» این مجموعه تمام وقت گلستان را گرفته است ، آنقدر که او چند دوره از ترجمه ادبیات داستانی دست به قلم نزده است ، اما از آثار قبلی او دو کتاب «زندگی در چیزی رو» نوشته امیل آزار و داستان «تیستوی سبز انگشتی» ، پس از بیست وپنج سال تجدید چاپ شده اند.

۹ استمداد از یونسکو

ایران ، سرزمین میراث های فرهنگی و باستانی است .اما همیشه نداشتن یک نعمت باعث چشم پوشی از آن نمی شود، گاهی فراوانی آن نیز باعث نادیده گرفتن آن نعمت می شود. بشاید به همین دلیل مسوولان و حتی مردم ما ضرورت نگهداری از این به جا مانده های تاریخی را احساس نمی کنند. در نتیجه بسیاری از این آثار تاریخی در حال از بین رفتن است . اکنون مسوولان کشورمان از موسسات خارجی برای نجات و احیای بخشی از محوطه باستانی تلگه بالاغی درخواست کمک کرده اند در پی این درخواست ،سه گروه باستان شناسی از کشورهای لهستان ، فرانسه ، آلمان به این درخواست پاسخ مثبت داده اند .

تلگه بالاغی در استان فارس در نزدیکی پاسارگاد قرار دارد . در این تلگه علاوه بر وجود نشانه های حاکی از زندگی در پیش از تاریخ ، چندین اثر باستانی مربوط به دوران هخامنشیان و اشکانیان وجود دارد .

با توجه به اینکه پاسارگاد و پیش از تلگه بالاغی در سازمان یونسکو به ثبت رسیده این سازمان این سه گروه باستان شناسی را به ایران می فرستد . آنچه که این تلگه را تهدید می کند سد در حال ساخت سیوند است . این سد ۳ سال آینده به بهره برداری می رسد و در نتیجه بخش عظیمی از تلگه بالاغی به زیر آب خواهد رفت . اسفناک اینکه با ساخت سد سیوند ، ۸۴ محوطه باستانی از جمله تپه های باستانی پیش از میلاد ، کوره های ذوب فلز ، غار و سکونت گاه های پیش از میلاد ، گورهای سنگی مربوط به دوران فرمانروایان پارس ، دو قبرستان دسته جمعی مربوط به دوران اشکانیان و بیش از ۷ کیلومتر مرز سنگی مربوط به دوره اشکانی به زیر آب خواهد رفت . این هم خبری از حفاظت های بی شایبه مسوولان از آثار تاریخی !!

۱۰ لباس محلی ایران در المپیک آتن

لباس محلی زن شمال ایران به عنوان یکی از ۴ لباس برگزیده بازی های المپیک انتخاب شد .

به گزارش رسیده ، مسوولان برگزاری مسابقات المپیک ۲۰۰۴ آتن ، برای به نمایش گذاشتن فرهنگ ملل مختلف در این دوره از بازی ها ، طی یک سال گذشته از طریق سفارتخانه های یونان از کشورهای مختلف درخواست کرده بودند تا نمونه ای از لباس های محلی خود را به آتن بفرستند ، تا از بین تمام لباس های محلی دنیا، ۴ لباس به عنوان نماد بین المللی را در هنگام برگزاری بازی ها به نمایش در آورند . علاوه بر لباس محلی زن شمالی ایران ۳ لباس دیگر از آفریقا ، آمریکای جنوبی و ژاپن انتخاب شد .

تصویر لباس محلی زن شمال ایران در فرودگاه بین المللی شهر آتن (زئیرلوس) به نمایش گذاشته شد .

۹ سهم ناچیز ایران در تولید علم

ایلنه سهم ایران مثلاً در مرگ و میر ناشی از تصادفات خیابانی بالاست ، دلیل نمی شود که سهم ما در تولید علم و دانش هم بالا باشد . طبق آخرین آمار متاسفانه سهم ایران در تولید علم و دانش در جهان ۰/۵۰ درصد است . این رقم وقتی در مقایسه با کشورهایی مثل ژاپن ، آمریکا ، روسیه قرار می گیرد خیلی پایین به نظر می رسد و گرنه ۰/۵۰ درصد هم خیلی کم نیست ، باور کنید . دکتر علی جرلال استاد دانشگاه علم صنعت گفت : آمریکا ۳۰ درصد سهم تولید علم در جهان ، روسیه ۱۷ درصد و ژاپن ۱۰ تا ۱۵ درصد سهم تولید علم در جهان را دارمی باشند .

این استاد دانشگاه البته معتقد است در ایران افرادی وجود دارند که برای تولید علم تلاش می کنند اما مدیریتی نداریم که به این تولیدات سامان دهد و از آنها حمایت کند .

سهم کاربران اینترنت در کشور های توسعه یافته ۹۳/۳ درصد است . سهم کاربران اینترنت در کشورهای متوسط ۶/۵ درصد و کشورهای فقیر ۰/۲ درصد است . این استاد دانشگاه می گوید : تمام روستاهای ایران باید تا سال ۲۰۱۰ به اینترنت دسترسی داشته باشند . تا سال آینده ۸۰ درصد روستاهای ایران حداقل به یک نقطه ارتباط اینترنتی دسترسی خواهند داشت . به گفته این استاد دانشگاه ،ایران به طور کامل وارد عصر سوم یعنی فن آوری اطلاعات نشده است . امیدواریم شنیدن و خواندن این اخبار باعث شود که بدانیم چقدر به کار و تلاش بیشتر احتیاج داریم .

۱۱ حقوق زن

مدت هاست زنان به دنبال حقوق گمشده خود در قانون هستند . زنی در هفته نامه «صدا» می نویسد : حقوق زن یکی از مهم ترین رشته های «حقوق بشر» است. به اعتقاد بسیاری ازحقوق دانان بررسی وضعیت حقوقی زنان در هر اجتماعی بهترین شاخص و ترازی برای سنجش وضعیت حقوق بشر در آن اجتماع است و به عبارت دقیق تر اگر زنان در کشوری در وضعیت مطلوبی به سر برند این امر نشانه پایبندی حکومت به موازین حقوق بشر بوده و مسلماً نقض حقوق بشر در آنجا اندک و قابل اغماض است . منظور از حقوق زن بحث از حقوقی است که یک زن به مناسبت زن بودنش دارد و یا از آن محروم است . بنابراین آن قسمت از قوانین که جنسیت افراد در آن تاثیری ندارد و در مورد همه اعم از زن و مرد یکسان است در محدوده «حقوق زن» نمی گنجد . مهم ترین آنها نیز برابری حقوق زن و مرد در زندگی خانوادگی امر طلاق است . طبق قوانین ایران مرد دارای حق مطلقه نامحدود برای طلاق است در حالی که حق زن برای طلاق مشروط و بسیار محدود است .

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی می گوید : «مرد می تواند هروقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد» . یعنی قانوناً طلاق در اختیار شوهر است و هرگاه مردی بخواهد پیوند زناشویی را بگسلد مانع قانونی پیش رو ندارد کافی است دیوری دادخواست بخرد و طی دو سطرطبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی متقاضی طلاق شود .

۱۲ آیا روزنامه های اصلاح طلب تعطیل می شوند ؟

اگر چه هم اکنون تا حد بسیار زیادی از تاثیر گذاری روزنامه های اصلاح طلب کاسته شده ، چنان که تیراژ عمده ترین روزنامه ها بجز روزنامه شرق بسیار پایین است ، اما همچنان این روزنامه ها از گزند توقیف و تهدید در امان نیستند .

پس از توقیف وقایع اتفاقیه ، خود تعطیلی صادرات و توقیف ماهنامه توروبک آفتاب ، هم اکنون نگرانی بسیاری در میان اصلاح طلبان نسبت به توقیف عمده رسانه های اصلاح طلب در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خبر داده اند.

در همین زمینه نیز به تازگی گفته شده است که گویا قرار است پس از سایت خبری امروز سایت خبری رویداد ارگان غیر رسمی جبهه مشارکت نیز پس از مدتها که فیلتر شده بود ، عملاً توقیف شود .

این اقدامات نیز پس از فیلتر شدن گسترده سایت های اینترنتی ، مسببات نگرانی بیشتر اصلاح طلبان را پدید آورده است . فیلتر شدن سایت های اینترنتی که با اعتراض گسترده اصلاح طلبان روبرو شد از حمایت عمده محافظه کاران به ویژه برخی از نمایندگان محافظه کار مجلس برخوردار بود .

هم اکنون اصلاح طلبان نگرانند که شاید در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بسیاری دیگر از رسانه های نوشتاری آنها بار دیگر با طور جدی در معرض توقیف قرار بگیرند .

۱۳ شهریه !؟

بر اساس قانون اساسی ، تحصیلات تا پایان دوره دبیرستان رایگان می باشد . مسوولین امر نیز بارها تاکید می کنند که در کشور ما سهم ما مدارس هنگام ثبت نام حق دریافت شهریه را ندارند . اما مدارس می گویند تا پول ندهید ثبت نام نمی کنیم . مدت یک هفته است که برای ثبت نام فرزندی که پدر هم ندارد مرتباً به دبیرستان مراجعه می کنم و مدیر دبیرستان می گوید تا یکصد هزار تومان به حساب واریز نکنید از ثبت نام خبری نیست .آموزش و پرورش باعث رشد و توسعه کشور است و بیسوادی باعث عقب افتادگی است . ۱۳ شهریور۸۳

کشتی متعلق به دوره صفوی

در پی پسروی آب دریا ، کشتی به گل نشسته دوره صفوی در ساحل دریای خزر نمایان شد .

این کشتی که ۲۸ متر طول و ۸/۷ متر عرض دارد دارای دکل بادبانی و سکان بوده و قدمت آن با توجه به مستندات تاریخی و وضعیت فعلی آن احتمالاً به دوران صفویه باز می گردد .

نخستین مرحله مطالعات باستان شناسی بر روی این کشتی مکشوفه با مجوز پژوهشکده باستانشناسی میراث فرهنگی و گردشگری کشور آغاز شده است .

تا کنون با کاوشهای به عمل آمده در عمق ۵/۲ متری از بیشترین ارتفاع این کشتی اشیایی نظیر زنبیل های حاوی انواع دانه های گیاهی و همچنین ادوات وابسته به کشتی مانند انواع طنابهای با قطرهای مختلف نردبان چوبی ، حصیر ، قرقره چوبی ، میخ های آهنی و چوبی به دست آمده است .

۱۴ اصلاح آموزش ریاضی

یکی از راهکار های همیشه در دسترس این است که مثلاً هر موقع دیدید صدای مخالفان شما در حال رسیدن به گوش فلک است ، بگویید باید فلان روش را تغییر داد . بدین ترتیب پیدا می شوند کسانی که فکر می کنند واقعاً شما در پی تغییر و دگرگونی در ساختار کاری خود هستید .

حاجی وزیر آموزش و پرورش در کنفرانس آمفوزش ریاضی کشور می گوید : «اصلاح نظام آموزش یک ضرورت است .» بعد هم درباره استعداد های ایرانی می گوید: «نمونه بارز استعداد ایرانی افتخارات بزرگی است که در المپیاد ها به دست آمده است .» ! ولی او نمی گوید که اصلاح روشهای آموزش یعنی چه .شاید هم هنوز معنی افتخارات را نمی داند.

۱۵ حقوق بشر در جهان امروز و...

ماندگاری شگفت انگیز ایران و فرهنگ شکوهمند آن برای بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران ایران و جهان پرسش برانگیز است و آنان پیوسته در جستجوی پاسخی برای این پرسش اند که راز این دیرپایی و استواری در چیست ؟ کدام نیرو نیاکان ما را در میانه جهان های هزاره ها ، استوار نگاه داشت و اندیشه و فرهنگ آنان را بر جهان روان ساخت ؟

فریدون جنیدی پژوهشگر و ایران شناس در کتاب«حقوق بشر در جهان امروز وحقوق جهان در ایران باستان »با پژوهشی ژرف در دریای بی کرانه اندیشه های ایران و بررسی نوشته ایران کهن ،خوانده،را به پیشینه ای بس دور و شگفت آور در زمینه حقوق بشر در فرهنگ ایران کهن رهنمون می شود و تا آنجا در این بررسی ، ژرف نگری می کند که نشان می دهد در ایران باستان علاوه بر حقوق بشر ، آیینی بسیار ریشه ای تر به نام «حقوق جهان» از اهمیت برخور دار بوده است . دراین کتاب نویسنده به اهمیت آزادی اندیشه ، آزادی دین و مذهب ، آزادی گفتار ، آزادی حقوق زنان ، آزادی حقوق کودکان ، آزادی در گزینش همسر و ... توجه نموده و سپس به مبانی حقوق کارگران ، قانون کار در ایران باستان ، حقوق محیط زیست ، نظام پزشکی و .... می پردازد .

در این کتاب علاوه بر مطالب فوق بخش هایی نیز به شیوه های انتخاب حاکمان نحوه برکناری آنها و راههای مبارزه مدنی و به دور از خشونت با حاکمان ستمگر و مستبد اختصاص یافته است .

۱۶ پیشنهاد به نمایندگان مجلس

به نمایندگان مجلس پیشنهاد می کنم به جای پرداختن به مسایل حاشیه ای مانند جداسازی جنسیتی دانشجویان و نوع پوشش لباس مردم ،فکری به حال نخجیگان این مملکت کنند تا با پیدا کردن یک مکان تحقیقی نیاز به فرار از این کشور نداشته باشند.

۱۷ موفقیت در المپیک

پیش از برگزاری بازیهای المپیک مردم فکر می کردند حتما در رشته های مختلف موفقیت های متعدد به دست خواهد آمد .اما چون این امر تحقق نیافت ،همه از کمبودها می گویند .آیا بهتر نیست برای جبران این وضعیت از همین حالا درباره رشته های مختلف ورزشی کاری کارشناسانه انجام دهند و یا صرف هزینه ،جایگاه بهتری کسب کنیم .غیر حرفه ای برخورد کردن باعث می شود استعدادهای مان در این راستا از بین برود.آنقدر به فوتبال توجه می کنیم که از کشتی غافل شده ایم.استعداد بالقوه ما در کشتی نادیده گرفته شده و این بسیار جای تاسف دارد.

۱۸ باید زندگی کرد

این که داریوش مهرجویی بعد از چند فیلم ناموفق مثل میکس و بمانی و فارغ از دغدغه های فلسفی اش با بازگشت به دهه شصت به سراغ یک کمدی بزن و بکوب می رود و تجربه موفق اجاره نشین ها را تکرار می کند، اگر چه به نوعی نشانه سرگردانی فیلم ساز و دور و تسلسلی است که سینمای ایران در آن گرفتار شده است ،اما به هر حال پس از هر چیز ضرورت بروز سرزندگی و نشاط را در جامعه ما فریاد می زند.

نشاطی که مهرجویی از یک سو و سازمان ملل و سیما که تهیه کننده این فیلم است و به ویژه مدیریت جدید ضرورت آن را به خوبی دریافت کرده اند.

مهمان مامان بر اساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی که با تغییراتی در بازنویسی مجدد به تصویر آمده ماجرای چند خانواده نسبتا فقیر است که در یک خانه قدیمی در قلب تهران زندگی می کنند.روزی برای یکی از این خانواده ها مهمان عزیزی از راه می رسد.یک زوج جوان تازه ازدواج کرده که داماد خواهر زاده زن خانواده و افسر نیروی هوایی است.اما خانه تهی است و برای پذیرایی هیچ چیزی در بساط نیست.سایر افراد خانواده این مجموعه محروم که آبروی زن را در خطر می بینند به کمک برمی خیزند و هر کس هر چیز دارد به میان می گذارد.به این ترتیب سفره ای رنگین پهن می شود و ضیافتی شاد و پرشکوه از همدلی و همراهی تدارک می بینند.ضیافتی دلنشین که حاصل کار یک نویسنده تزیین،یک سینماگر خوش ذوق و تلاش بازیگرانی پرتوان است که نقش انسان هایی زیر خط فقر را زندگی می کنند.

۱۹ باز هم کنکور

کنکور ،تک درس ،تقویتی ،تضمینی،همراه با مشاوره و راهنمایی کامل و منسجم استادان مجرب در کنار تصویر مردی که نقطه نامعلومی را نشان می دهد،همراه تبلیغاتی که هر روز از رادیو و تلویزیون پخش می شود و در روزنامه ها و روی دیوار و پشت اتوبوس ها به چشم می خورد،همه و همه باید کنکور را چه برای آن هایی که منتظر رسیدن آن هستند،زنده می کند.

در سال های اخیر رفتن به کلاس های کنکور و تقویتی ریاضی ،فیزیک ،زیست و عربی حتی همزمان با رفتن به مدرسه،به امری عادی تبدیل شده و دانش آموزان بیشتر از آنکه انتظار یادگیری و رفع مشکل در کلاس و مدرسه را داشته باشند،به دنبال گرفتن پاسخ سوالات خود،در این نوع کلاس ها و موسسات هستند .شاید وجود این همه مراکز آموزشی و آموزشگاه به سبک سابقه باشد،موسساتی که رکن اساسی آنها تجارت است و به دست آوردن سود بیشتر،کلاس های که کمتر آموزشی و علمی هستند و به جز مهارت هایی برای تست زدن در آنها چندان چیز دیگری نمی توان آموخت،مراکزی که به تازگی پای آنها به مفاطع کارشناسی ارشد و حتی دکترا هم رسیده است.

۲۰ بخارا

سی و ششمین شماره مجله فرهنگی و هنری بخارا به مدیر مسوولی علی دهباشی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:خواب آشفته نفت،تهاجم بی فرهنگی ،راه های انتشار یک شعر در قدیم،نام های دوازده ماه،ارتباط هنر با افسردگی ،پژوهش های ایرانشناسی در دانشگاه گوتینگن،کاشمر دروازه غربی چین،تاریخ شفاهی مطبوعات ایران،گفتگو با بهمنش ،گفتگو با آیدین آغداشلو ،معرفی کتب جدید داستان و شعر نویسندگان و شاعران افغانستان ،صورتی از تار گیسو ،چهره نگاری قومی در تبعید،چهارنامه از سه تن از عالمان دین و سیاست در دوره قاجاریه،نور سپهبد تیمور بختیار به دست عوامل ساواک در خاک عراق ،گردهمایی ادبی نویسندگان افغانستان ،یاد گذشته ها:سرگذشت کاوش تیمور نویسندگان ایران ،جهانگیرنامه :خطرات جهانگیر امپراطور هند ،خاموشی کیومرث صابری ،یادی از اسماعیل نیاورانی ،نمایشگاه آثار محسن وزیری و ...

حقوق بشر در جهان امروز و...

مدیر گالری گلستان این روزها در گالری ائل پذیرای نمایشگاه صد اثر صد هنرمند است . بزرگان هنر نقاشی همچون پرویز کلانتری ، سهراب سپهری ، پروانه اعتمادی ، محمد احصایی ، گیزلا ، فرد اصولی و ....

یادداشت
آذر نورافروز

سخنی با زرتشتیان

خواننده عزیز این ستون را تنها برای طرح درد دل های ما و شما و در حد توان پاسخ به برخی پرسش ها می گشاییم پرسش هایی همچون :

نیاز ها و کمبودهای اساسی زرتشتیان امروز چیست ؟

چه راهکارهایی برای برآوردن این نیازها و جبران این کمبود ها می شناسیم ؟

یک فرد زرتشتی در جامعه امروز ایران چه جایگاهی دارد ؟و هزاران پرسش دیگر...

سر آن نداریم تا در این میان ،جایگاه زرتشتیان را از سایر هموطنان ایرانیشان جدا کنیم اما بر آن شدیم تا از شماره۱۰۱ در این ستون امرداد از هر دری سخنی با شما همکیشان بگوییم و از شما نیز صمیمانه می خواهیم ما را در گزینش سوژه های دلخواهتان یاری دهید .

برای نخستین سوژه با توجه به حال و هوای دینی جامعه ، وادی دین پژوهی و شناخت دین را برگزیدیم .

از دیدگاه شما همکیش گرامی به راستی چه نیازی به پژوهش و شناخت جنبه های فراموش شده و ناب دین کهن ایرانی همچون گاتها وجود دارد؟بگذارید کمی پیش بینی کنیم .شاید بگویید نیازی نیست .شاید هم باور داشته باشید که دانستن سنت هایی چون نخوردن گوشت در روزهای نبر ، رفتن به زیارتگاه ها در زمان مشخص شده شان روی تقویم ، نذر کردن آش و سیرگ برای رسیدن به مراد ، آموزش سینه به سینه اوستای خرده به کودکان واجرای سنتی آیین هایی چون سال ، سی روزه ، گواه گیری و یا گاهانبار و جشن ها برای بقای دین کافی است .همه اینها نیکو، بایسته و شایسته.این ها را نیاکان دیروز به ما رساندند اما امروز ما چه داریم برای برای بیان اندیشه ها و پیام های زرتشت به ایرانیان و جهانیان فردا ،برای مفتخرانه ماندن و زیستن در زمانه ای که اندیشه ،آگاهی و دانش، سخن نخست است و ارتباطات ،پایه انتشار اندیشه .

ادامه در همین صفحه

پاسخ خادم پیر نارکی
پرویز جراح

خیراندیشی

جامعهٔ زرتشتی ایران برای آنکه بتواند در صحنهٔ اجتماعی ایران حضور مؤثر داشته باشد همواره از کمک خیراندیشان بهره برده است. اما اشتباهی که عموماً صورت می گیرد این است که خیراندیشی را تنها در بذل مال خلاصه می کنند . این پدیدهٔ نیکو می تواند صورت های متفاوتی داشته باشد یکی دیگر از صورت های خیراندیشی خدمت در زیارتگاه ها به ویژه زیارتگاه های دور و نزدیک استان یزد است.

همهٔ خادمان زیارتگاه ها را باید به راستی خیراندیشان جامعهٔ زرتشتی نامید که بر پایهٔ باوری ژرف و خلل ناپذیر در بدترین شرایط ممکن به خدمت گذاری پیران گاه های زرتشتی مشغولند.

یکی از این خیراندیشان بی گمان پرویز جراح خادم پیر نارکی است که گلایه مندی خود در بارهٔ گلهٔ یکی از زیارت کنندگان این پیر که در شماره پیش به چاپ رسیده بود را در قالب نامه ای محبت آمیز نشان داده است.

نشریه امرداد ضمن آرزوی شادزیوی و دیرزیوی برای این خیراندیش ارجمند از ایشان مصرانه می خواهد تا در انجام خدمت یک لحظه تردید به خود راه ندهد و با پذیرفتن نقدهای همکیشان در بهتر شدن امور بیش از پیش کوشش کند.

در ضمن انجمن ها و افرادی که به دعوت انجمن کوچه بیوک و روانشاد پدر پرویز جراح پاسخ مثبت می دهند درخواست کتبی و یا پیشنهاد خود را در این زمینه به آدرس نشریه امرداد بفرستند تا به آگاهی دوستانمان در یزد برسد.

بیاری اهورا مزدا

با عرض درود و ادب ،استدعا دارم مطالب زیر را برای روشن شدن اذهان عمومی چاپ فرمائید خواهشمند است از این به بعد مطالبی که باعث تضاد و بوجود آوردن جو نامناسب و احتمالا سوء ظن در جامعه کوچک و خوشنام زرتشتی می گردد خودداری فرمایید ، باشد که قدمی در راه بهتر شدن زیارتگاهها و دلگرم شدن خادمین پیرها برداشته باشید .چون هدف خدمت به پیر و همکیشان عزیز است و جز آن نیست .

سپاسگزارم

خادم پیر نارکی – بهروز جراح

مطلبی در هفته نامه امرداد تاریخ ۸۳/۶/۳ خواندم که نوشته ها دور از حقیقت و واقعیت بود به طور حتم موقعیت پیرنارکی و خادم آن در نظر نگرفته اند اولا خواهشمند است به نامه شماره ۲۳۴ تاریخ ۷۴/۲/۱۲ که ضمیمه می باشد توجه فرمایید که پدر اینجانب روانشاد فیروز بختیار جراح به انجمن زرتشتیان کوچه بیوک و سپس این انجمن به تمامی انجمنهای زرتشتیان یزد فرستاده شد مبنی براینکه یک انجمنی که مایل است این مسئولیت خطیر را با تعیین خادم مورد اعتماد به این انجمن مراجعه که تا بحال هیچ پاسخی دریافت نشده و کمافی السابق این وظیفه خطیر به عهده اینجانب و خانواده ام بوده وخدا می داند جز در راه رضای خدا و پیر و مردم قدمی بر نداشتم اما توقع بیش از عرف ، بنده را آزار می دهد. قضیه از این قرار است که در تاریخ ۸۳/۵/۳۱ ساعت ۸/۵ صبح آن همکیش عزیز به درب خانه ما مراجعه نموده و اصرار داشت که کلید پیر را به آنها بدهم .

اینجانب در آن روز چون بعلت دیسک کمر طبق دستور پزشک معالج در حال استراحت کامل بودم. ولی باز هم گفتم که اگر ماشین شما گنجایش یک نفررا دارد من یا نفر دیگری را همراه شما بفرستم تا درب را بازکند . ولی ایشان ظرفیت آن را نداشتند و در ضمن هیچ کودکی را هم من در ماشین ایشان ندیدم. در ضمن ایشان مدام به من اصرار میکرد که کلید پیر را به من نمی دهید؟ فکر می کنیدکه من دزدم و میروم چیزی را از آنجا بر می دارم ؟ شما آدم بدبینی هستید. وظیفه دارید که کلید را به من بدهید .

ولی چون موارد متعدد این عمل انجام دادم که مواجه شدم با خوب نبستن دربها ، سرقت اموال پیر و مردم به وسیله آدمهای از خدا بی خبر از سال ۱۳۸۳ به بعد عهد کردم که کلید را به کسی ندهم و یا خودم و یا فرد واردی را همرا ه زیارت کنندگان برویم . ولی این باید با هماهنگی یک روز قبل یا چند ساعت قبل به وجود آید . نمی دانم توقع تا چه حدی است؟ از نظر روشنایی پیرهم باید بگویم به طور یقین آن همکیش گرامی با بستن درب پیر خاموش بودن چراغها را مشاهده نکرده چون ما چراغی را در بیرون از پیر نداشتیم ول در مکان زیارتگاه همیشه چراغ روشن و مسئول روغن ریختن در چراغها هر روز بعد از ظهر به آنجا رفته و چراغ پیر را روشن نگه می دارد و خود اینجانب هم نیز اعلام می دارم که چنانچه خانواده ای یا کسی که مورد تایید اینجانب وهمکیشان و انجمن محل نامبرده باشد خادمی پیر را تحویل نموده. گرچه خادمی این پیر از قدیم الایام تابحال بعهده نیاکان من بوده است.

ضمنا یادآور می شود که مزرعه و پیرنارکی جزو محدوده جغرافیایی شهرستان مهریز بوده و هیچ احتیاجی نبود که نامبرده با فشار بر مغز و روح خود ندانسته محدوده پیرنارکی را تعیین نماید و در رابطه با انجمن کوچه بیوک که ایشان تعیین تکلیف نمود اینجانب از انجمن سپاسگزار بوده و هستم که همیشه یار و یاور اینجانب در برگزاری مراسم پیر نارکی بوده و می باشد توفیق روزافزون همگی را از اهورامزدا خواستارم و برای دیدن روشنی بر فروغ پیرنارکی چشم بینا میخواهد نه همه چشمی.

کتابخانه های زرتشتیان یزد (بخش پایانی)

خسرو بهدین

کتابخانه زرتشتیان کوچه بیوک:

در سال ۱۳۵۷ به پیشنهاد افلاطون یزدانی و با یاری و همکاری سروش خداپرستی کتابخانه زرتشتیان کوچه بیوک بنیاد شد . نخست با ۴۰ کتاب اهدایی و کتابهای انجمن زرتشتیان کوچه بیوک در یک اتاق ۴×۳متر وزیر نظر انجن کوچه بیوک آغاز به کار کرد ،تا سال ۱۳۶۴ سرپرستی و گردانندگی کتابخانه با افلاطون یزدانی (با مدرک کاردانی علوم انسانی و دبیر تاریخ و جغرافیا دوره راهنمایی) بود،در این مدت یک کمد بزرگ از سوی هرمزدیار هرمزان به کتابخانه اهدا شد.افلاطون یزدانی می گوید:بال هدف بالا بردن آگاهی های دینی و علمی زرتشتیان و علاقمند گردانیدن گروههای گوناگون سنی و اجتماعی به کتاب خواندن به پاشده است ، هم اکنون نزدیک به هزار جلد کتابهای گوناگون در زمینه های دینی زرتشتیان ،اشعار ،اطلاعات عمومی ،جغرافیا ،.ورزش هنر در اختیار دارد و در کنار اینها چندین جلد فرهنگ انگلیسی و شماره های پراکنده مجلات هوخت ،فروهر ،کنکاش موبدان به همراه یک شاهنامه ارزشمند به چشم می خورد ،کتابخانه هر پنج شنبه از ساعت ۵تا ۷ بعد از ظهر باز بوده و اعضای آن بدون پرداخت مبلغی به اینجا آمده و یااز تالار بزرگ بهره می برند کتابخانه به روش موضوعی و با سیستم قفسه بسته اداره می شود . افلاطون یزدانی ادامه می دهد :امور کتابداری آن از تاریخ ۷/۵/۶۳ بر دوش شورایی مرکب از چهار نفر از جوانان زرتشتی کوچه بیوک و به سرپرستی بهنام اختری افتاد: وی که دانش آموز رشته تجربی است از همان تاریخ به کار کتابداری اینجا مشغول است بهنام اختری می گوید :از کاستیهای بزرگ کتابخانه کم بودن ساعت کار و روز مراجعه است ،زیرا در هفته تنها یک روز ،آن هم پنجشنبه ها باز است ، با این حال بر خلاف بیشتر جاها که بیشترین مراجعین آن را کودکان یا دانش آموزان شامل می شوند،این کتابخانه مواجه با خواستارانی از همه گروه اجتماعی و سنی است ،تعداد مراجعین به ۲۰ نفر در هرپنج شنبه می رسد ،به جز کتابهای اهدایی نیکو کاران و کانون دانشجویان زرتشتی تهران و اندکی ازسرمایه انجمن دیگر نتوانستیم کتابی بخریم . در این میان افلاطون یزدانی می گوید :بزرگترین دشواری ما کمبود سرمایه است که امیدواریم دولت بتواند به ما یا به صورت نقدی یا به صورت کارمان را مبا م باقیمانده مبلغ آغاز کردیم و اکنون بیش از چهار هزار جلد کتاب در اختیار داریم که آنهارا در ۱۳کمد و تعدادی قفسه قرار داده ایم و در سال گذشته ۸۶ عضو داشتیم که این تعداد در سالهای گذشته۱۲۰ نفر بوده اند . مالی در مورد کتابخانه توضیح می دهد که کتابخانه زرتشتیان مریم آباد بهترین و رایج ترین کتابخانه زرتشتیان استان یزد می باشد که هم نوع کتاب از دینی گرفته تا رمان و فرهنگی وعلمی و تاریخی در آن موجود می باشد و مراجعه کنندگان نیز از گروهها ی سنی مختلف می باشد که قبلا آدینه ها و اکنون سه شنبه ها به کتابخانه مراجعه می کنند وچندی پیش نیزبا کمک آقای فیروز فرد که زحمات زیادی برای تاسیس و اداره آن کشیده اند نوارهای گزینه ۲ را برای استفاده داوطلبان شرکت درآزمون ورودی دانشگاه ها تهیه کردیم . سروش مالی افزود :روزی یکی از پژوهشگران غیر زرتشتی به کتابخانه مراجعه کرد و از ما سری کامل مجله هوخت که از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۶۳ انتشار می شد را خواست و گفت تاکنون به هرکتابخانه ای مراجعه کردم ،سری کامل هوخت را نداشت که ما نیز از همان زمان بود که به رگ غیرتمان بر خورد و شروع کردیم به گردآوری کامل نشریات زرتشتی و اکنون به جز چند شماره ای که نتوانستیم آنها را تهیه کنیم ،سری کامل مجله هوخت را بصورت صحافی شده در اختیار داریم ،همچنین سری کامل هفته نامه امرداد را نیز چندی پیش صحافی کردیم و نشریات چیستا- اشا-کرمان -فرهر - اهدایی کتاب یاری برساند ، همچنین ما بنای ساخت مجتمعی دینی فرهنگی در نزدیکی آتشکده داشتیم تا بتوانیم کتابخانه را به آنجا ببریم ،اما چون گفته شد زمین آن در طرح جامع یزد واقع شده است ،پروانه ساخت ندادند . وضعیت کتابخانه های زرتشتیان یزد در

سال ۱۳۶۵ را خوانید اکنون بعد از گذشت نزدیک به دو دهه وضعیت همان کتابخانه ها چه تغییری کرده است ، آیا بهتر شده یا بدتر؟

سروش مالی :کتابخانه مریم آباد بهترین و کاملترین کتابخانه زرتشتیان یزد می باشد.

اداره کنندگان کتابخانه مریم آباد با ۱۸ سال پیش تنها تفاوت کرده است و آن اینکه پرویز مالی جای خودش را به برادرش سروش مالی داده است و اردشیر فیروزفرد نیز همچنان به عنوان رئیس انجمن زرتشتیان مریم آباد بر اداره آن نظارت دارد . سروش مالی می گوید :در سال ۱۳۷۰که من مسئولیت اداره این کتابخانه را به عهده گرفتم تعدادی از خیر اندیشان جامعه از جمله بهمن یادگار جم مبالغی را به این کتابخانه اهدا نمودند که ماقسمتی از آن را سپرده کردیم و پیک مهر - ایران زمین -چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و پارسیان یزد را بایگانی و سپس آنها راصحافی می کنیم همچنین سایر نشریات قدیمی زرتشتیان مانند پشوتن اندیشه -آناهیتا - پندار و مهنامه زرتشتیان را جمع آوری می کنیم . سروش مالی با اشاره به جمله ای با عنوان (انجمن مریم آباد هم که اصلا امرداد را تحریم کرده است) درقسمت دوم (یزد در سالی که گذشت) که در شماره ۹۰ هفته نامه امرداد به چاپ رسیده است ، یکی از مهمترین علتهای موفقیت کتابخانه مریم آباد را همکاری و نظارت ریاست انجمن مریم آباد است و گفت :ایشان شخصی فرهیخته و زحمتکش می باشد که در را ه سر بلندی و گسترش دین بهی تلاش می کنند و همکاری ایشان موجب شده است تا بهترین و کاملترین کتابخانه زرتشتیان یزد را داشته باشیم . مسئول کتابخانه زرتشتیان مریم آباد افزود : چاپ این مطلب در حالی است که کتابخانه ای است که سری کامل هفته نامه امرداد را به صورت صحافی شده در اختیار مراجعین خود قرار می دهد ،وی در عین حال هفته نامه امرداد را نشریه ای موفق و مفید ارزیابی کرد .

خدارحم خداپرستی :تلاشهای آقای خشنودی موجب رونق کتابخانه کوچه بیوک شده است قدردانیها در کوچه بیوک بر عکس مریم آباد است ، دراینجا خدارحم خداپرستی رئیس انجمن زرتشتیان مریم آباد برای نخستین دوره است به ریاست این انجمن رسیده است تلاشهای مسئول کتابخانه را موجبرونقدوبار کتابخانه می داند و میگوید : کو شش های مهندس خشنودی واقعا ستودنی است

کتابخانه که در مجموعه ساختمان بازسازی شده آتشکده زرتشتیان کوچه بیوک قرار دارد اتاقی است که در آن ۴ سری میز و صندلی برای مطالعه و ۵ کمدحاوی کتاب قرار دارد که به گفته مهربان خشنودی مسئول کتابخانه کتابهای موجود برا ساس موضوع تقسیم بندی شده و هردسته در کمد جداگانه ای قرار گرفته است و برای اینکه مراجعان بتوانند به آسانی به کتاب مورد علاقه خود دسترسی پیدا کنند بر روی هر کمد تابلویی که اسامی کتابها بر روی آن نوشته شده است نصب می باشد . خشنودی تعداد عنوان کتابهای موجود در کتابخانه رابیش از ۶۷۰ عنوان کتاب ذکر کرد وافزود :در این میان از کتابهایی که بیشتر مورد توجه قرار گرفته چند جلد تهیه شده است به گفته مسئول کتابخانه کوچه بیوک این ۶۷۰عنوان کتاب شامل کتابهای ادبی - فرهنگی - آموزشی با ۲۱۳ عنوان وکتابهای رمان - داشتان با ۲۰۸ عنوان و کتابهای کودک و نوجوان با من۱۴ عنوان و کتابهای دینی با ۱۳۰ عنوان و همچنین کتابهای تاریخی با من۱۰۶ عنوان می باشد .مهربان خشنودی در مورد مراجعیین به کتابهخانه گفت :مسئولیت اداره کتابخانه از تاریخ۲۷/۱۰/۸۰ از طرف انجمن زرتشتیان کوچه بیوک بر عهده من واگذار شده است و دراین مدت علاقه مندان از گروههایمختلف سنی روزهای پنجشنبه به این کتابخانه مراجعه می کنند .

میترا شش برادرادن :با وجود افزایش تعداد کتابها ،اشتقبال از کتابخانه ناهید خرمشاه کاهش یافته است

با وجود اینکه انجمن زرتشتیان خرمشاه در چند سال اخیر توانسته است باساخت تالار اجتماعات و شاه ورهرام ایزد در کنار برگزاری همه ساله دو جام معتبر ورزشی در باشگاه مزدیسنا رونق دوباره ای به این محله زرتشتی نشین ببخشد ولی گویا کتابخانه ناهید خرمشاه همچنان به فراموشی سپرده شده است گهرناز پشوتنی یکی از اداره کنندگان سابق کتابخانه ناهید خرمشاه تیکه روزنامه ای مربوط به مهرماه ۱۳۵۷ در اختیار قرار می دهد که در آن آمده است دختر دانشجویی در یک حادثه رانندگی کشته و دانشجوی دیگری مجروح شد اتومبیل فولکس واگن شماره ۷۶۱۶۶-تهران الف به رانندگی ناهید خسروانی دانشجوی دانشگاه ملی که در جاده شاهنشاهی در حرکت بود براثر سرعت زیاد چند بار معلق زد و سپس با اتومبیل هیلمن شماره ۹۲۷۱۶ -تهران تصادف کردو متوقف شد ،در این حادثه ناهید دردم کشته شد و مهران سرنشین دیگر فولکس که دانشجوی سال دوم معماری دانشگاه ملی است مجروح و در بیمارستان رضا پهلوی بستری شد .)

ساختمان کتابخانه ناهید خرمشاه که ازسوی دهش مادر روانشاد ناهید خسروانی که اکنون ساکن خارج کشورمی باشد تاسیس یافته است در محل باشگاه مزدیسنا قرار دارد و همچنان در خاموشی مطلق به سر میبرد.میترا شش برادران (خنجری)که ۲ سال است مسئولیت اداره کتابخانه خرمشاه را بر عهده گرفته است می گوید :با وجود اینکه تعداد کتابهای این کتابخانه افزایش یافته و تعدادی حتی کتابخانه های شخصی خود را به کتابخانه ناهید خرمشاه اهدا کرده اند ولی استقبال ازاین کتابخانه کاهش یافته است ،همسر روانشاد استاد خداد خنجری علت این عدم استقبال را کاهش جوانان محله خرمشاه در چند سال اخیر عنوان می کند و می افزاید پیشرفت راههای دسترسی به اطلاعات و علوم از جمله اینترنت موجب کمک به این کاهش استقبال شده است ،مسئول کتابخانه ناهید خرمشاه در پایان از شهناز و رستم ایزدیان و همچنین مرواریدا اخوی جو به عنوان مسئولان سابق کتابخانه نام برد و کتابخانه مریمآباد را بهترین کتابخانه زرتشتیان یزد معرفی کرد

آریا ویرابیان :کاهش تعدادکتابهای کتابخانه قاسم آباد به علت کم محبتی اعضای آن بوده است

محل کنونی کتابخانه زرتشتیان قاسم آباد در یکی از اتاقهای خوابگاه دانشجویی قاسم آباد می باشد ، آریا ویرابیان که خود را یکی از دانشجویان نخوابگاه قاسم آباد معرفی میکند در مورد فعالعیت کتابخانه قاسم آباد می گوید : طبق دفاتر موجود کتابخانه به طور رسمی تا تاریخ ۷/۶/۱۳۷۷ بر پا بوده است ولی از آن به بعد بدون استفاده مانده بود ،تا اینکه کتابها به درون کمدی که از دهش پریدخت بهرام خرمی به نخوابگاه اهدا شده بود قرار داده شد امادرسال گذشته که من از سوی آقای کیخسرو ماوندادی از اعضای محترم انجمن زرتشتیان قاسم آباد و سرپرست خوابگاه به عنوان مسئول این کتابخانه انتخاب شدم ، متوجه بی نظمی در این کتابها شدم و شروع به منظم کردن آنها کردم ،در این زمان بود که مشخص شد تعداد کتابها از۳۷۷ جلد در سال ۱۳۷۷ به حدود ۳۳۰ جلد در سال ۱۳۸۲ رسید ه است که بدون تردیداین کاهش کتابها به علت کم محبتی اعضای آن بوده است .ویرابیان در تعداد مراجعین به کتابخانه گفت :هم اکنون این کتابخانه

مورد استقبال دانشجویان خوابگاه می باشد و امیدوارم که بتوانم با همکاری آقای سرداری رئیس انجمن و اقای ماوندادی مسئول خوابگاه وهمچنین سایر اعضای انجمن قاسم آباد و همکیشان گرامی این کتابخانه رادوباره رونق ببخشم تا جامعه زرتشتی بتواند از این منابع گرانبها استفاده لازم را ببرد. کامران استاد مهری :کتابخانه زرتشتیان نرسی آباد رو به تعطیلی است . هنگامی که از کامران استاد مهری یکی از گردانندگان سابق کتابخانه زرتشتیان نرسی آباد خواسته شد تا در مورد کیفیت حال حاضر کتابخانه نرسی آباد توضیحاتی بدهد وی بازیرکی موضوع را عوض می کند و از تشکیل نهادی با عنوان کانون جوانان

با عنوان کانون جوانان زرتشتی نرسی آباد خبر می دهد ،استاد مهری افزود :این کانون در زمستان ن۸۲ باهدف احیای جشنهای ملی و سایر مناسبتهای زرتشتیان و همچنین بیان و رفع مشکلات جوانان جامعه تشکیل وابسته به انجمن زرتشتیان نرسی آباد می باشد و فعالیتهای آن در زمینه های هندی - ورزشی - فرهنگی می باشد .عضو کانون جوانان زرتشتی نرسی آباد با بیان این مطلب که کتابخانه زرتشتیان نرسی آباددر حال حاضر رو به تعطیلی است و استقبالی از آن نمی شود افزود :کانون در نظر دارد تا اگر مکانی مناسب و بودجه ای برا یخریداری کتابهای تازه تامین شود کتابخانه به مکان جدید انتقا یافته و دوباره فعالیتهای خود را از سر گیرد.

بهمن پارسا از سوئد

گفتار پیرامون ناتوانی انجمن های زرتشتی در سازماندهی

بی شک نامنسجم ترین سازمان دینی - اجتماعی از آن زرتشتیان است. و این ناتوانی در سازماندهی کارآمد ، گویی جزئی از سرشت زرتشتیان شده است.

خوش استقبال و بد بدرقه !

اگر کوشندگان به امید اصلاح و دگرگونی ، به انجمن ها وارد شوند ، مطمئنا قادر نخواهند بود که در آن چهارچوب کاری کنند. یا باید همرنگ جماعت شوند تا رسوا نگردند و یا عطای انجمن را به لقایش بخشیده و سر خود را گرفته و سلامت از آن محلکه جان سالم بدر برند !

البته این باتلاق « انجمن زرتشتیان » آشنا و بیگانه نمی شناسد و فقط « غریب گز » نیست . بلکه قهرش شامل زرتشتی زادگانی نیز می شود که بخواهند کاری بکنند .

عناصر تشکیل دهنده انجمن ها

اعضای انجمن های زرتشتی ، زرتشتی نیستند ! و ضمنا زرتشتی هستند ! یعنی هم زرتشتی نیستند و هم زرتشتی اند !

در برخورد نخست ، هر کدام از آنها خود را زرتشتی می‌خوانند و این واژه در شنونده بی خبر ، این توهم را ایجاد می‌کند که اینها واقعا زرتشتی هستند . به همین خاطر توقع نابجایی در او ایجاد می گردد که نه تنها هرگز برآورده نمی شود ، بلکه رفتار و کنش های مخالف آموزش های زرتشت « آب سردی» بر سر این مستان خوش باور ریخته می شود تا مستی را از سرشان بپراند و فقط سر درد پس از بدمستی را باقی گذارد . اعضای انجمن های زرتشتی را به لحاظ باور به دین بهی می توان به چند دسته تقسیم کرد :

۱- تیره باورمندان آگاه ، این گروه آگاهانه به زرتشت و پیامش باور دارند و قلبا مایل اند که اوضاع بهدینان سر و سامان گیرد و در این راه از کار ، کوشش و دهش دریغ ندارند . اینان نه تنها زرتشتی زاده اند ، بلکه به زرتشت باور عمیق دارند . شور بختانه این تیره درصد کمی از اعضای انجمن ها را تشکیل می دهند .

۲- تیره باورمندان ناآگاه ، این گروه « دین باورند » ولی از پیام زرتشت اطلاع درستی ندارند . دسته ای از اینان بیشتر به خرافات تمایل دارند تا آگاهی و عمل به آموزش های زرتشت . اینان نیز مایل به دگرگونی در شرایط زندگی زرتشتیان هستند و کاستی ها را می بینند و حداکثر غرولندی می کنند و از آن می گذرند.

۳- تیره زرتشتیان هویتی (دین هویتی) ، این گروه اعتقادی به دین به طور اعم و دین بهی به طور اخص ندارند . نام زرتشتی ، بیشتر برای این دسته یک « شناسه » و یک برگه هویت است . برخی از اینان ماتریالیست اند و برخی هیچ چیز نیستند ! این گروه اخیر را می توان « حرحری مذهب » نامید . این تیره به خاطر زاده شدن در جامعه زرتشتی خود را زرتشتی می دانند نمونه جالب دیگر از « دین هویتی » یهودیان است . مثلا یهودی چه مومن و معتقد به دین باشد و چه بی خدا (آتئیست) ، خود را یهودی می داند . کمونیست اسرائیلی خود را مانند « رابی » یهودی می داند . پس ، یهودیت اینجا فقط دین نیست ، بلکه هویت نیز هست .

ادامه یادداشت

آذر نورافروز

امروز ، شناخت اندیشمندی که سخنانش هرگز رنگ و بوی کهنگی نمی گیرد آن هم از زبان پیروان دیرین وی شاید نه تنها نیازی باشد برای خودمان بلکه رسالتی باشد بردوش ما برای جامعه ای که در آن زندگی می کنیم . آیا تا کنون به این رسالت اندیشیده ایم و چقدر به آن عمل کرده ایم ؟

اما جای نگرانی نیست ،یازده سال است جوانان زرتشتی با شکوفا ساختن اندیشه هایشان در همایش سراسری اوستا خوانی و گاتها شناسی مانتره این بار سنگین را از دوش ما برداشته اند ،رویای دیرین جان بخشیدن دوباره به کاملترین خط دنیا دین دبیره را به حقیقت نزدیک کرده اند و گرد فراموشی را از روی پیام های همیشه تازه گاتها زدوده اند ،آنها همه ساله مدت زمانی دراز از وقت گرانبها و نیروی جوانیشان را بر سر پژوهشی می گذارند که شاید خود نیز ندانند آینده دین زرتشت در گروی همین پژوهشهای آنان است . برگزار کنندگانی بی ادعا در کانون دانشجویان زرتشتی یازده سال است فقط وفقط با آرمان هرچه بهتر برگزار شدن این همایش می کوشند ،چه بسا شاید بتوان گفت در این زمینه ارگانهای خودجوش ،کم تجربه و با پشتوانه مالی کمتر توانسته اند موفق تر از سازمان های تخصصی چون کنکاش موبدان عمل کنند .متاسفانه این انجمن عملا نتوانسته حتی قدمی هر چند کوچک دستکم برای پربار تر شدن این همایش یا تربیت داوران بردارد چه برسد به آن که بخواهیم انتظار داشته باشیم پرچم دار دینی جامعه باشد .تمام آنچه پس از ده دوره برای آموزش مفاهیم دینی به جوانان وپشتیبانی از مانتره اندیشیدیم کلاس های هیربدی بود که آغاز آنها شور و شوق زیادی در بین جوانان آفرید اما شاید بهتر بود مخاطبان این کلاس ها را برای اندیشیدن و ارائه نوشتار به شرکت در یک همایش دینی نیمه تخصصی همچون مانتره نیز تشویق می کردیم ،فعالیت ها را باید بیش از این همراستا کرد، کار درست و زیبا شایسته حمایت و هدایت است و باید دست به دست هم داد و برای جاودانگی ، پربارتر شدن و به فرجام رسیدن حرکت ها کوشید ،تنها آغاز کردن و نیمه کاره رها کردن یک کار کافی نیست .جوانان کانون دانشجویان بدون هیچ اجباری هر سال در حد توان خود می اندیشند به همایش رده های نو می افزایند ،وضعیت اردوو جوایز تشویقی شرکت کنندگان را در حد امکان بهبود می بخشند و سعی در ارتقای بخش های جنبی برنامه برای استقبال بیشتر ما و شما دارند ، اما کوچکترین کار ما در برابر این همه فداکاری ، همانا حضور ما دستکم برای تماشای آنها وتشویقشان است که افسوس گاه از همین کمترین هم دریغ می کنیم .صرف چند ساعت در طول سال برای گوش دادن به نتیجه پژوهش و اندیشه چندین نوجوان و جوان کار چندان دشوار و طاقت فرسایی نیست .ضمن این که به یقین در این میان نکته های تازه ای هم می آموزیم .پس بیایید از سال آینده امتحان کنیم ...

یازده سال است کسانی برای برگزاری این همایش تلاش می کنند که شاید حتی ما آنها را نمی شناسیم .داورانی هر سال با کم و زیاد ها می سازند و تنها برای رشد پژوهش و اندیشه همکیشانشان می آیند تا دانشی را که آموخته اند منتقل کنند .استادان راهنما به رایگان آگاهی و تجربه شان را در اختیار کم تجربه ها می گذارند تا حاصلش نوجوانی دبیرستانی از کار در بیاید که پیش کسوتان به صراحت اعتراف کنند« از ما بیشتر می‌داند» .

چه بسا شاید بتوان گفت در این زمینه ارگانهای خودجوش

مدیریت بهره وری بهینه از منابع موجود

فرشید عزتی

یکی از شیوه های مدیریت کار آمد در جامعه استفاده بهینه از ؛ زمان ؛ سرمایه یا منابع موجود ؛ نیروی انسانی؛ اطلاعات فنی تخصصی و تکنولوژی روز و ترکیب این عوامل و نظام مند کردن و یا قانونمند کردن به شکلی که بهترین کارآیی ویا اررزش حاصل شود ودر پایان هر سال مقایسه تراز عملکرد و تراز مالی امسال با سال گذشته به منظور بر طرف کردن نقاط ضعف مدیریتی و اصلاح سیاست ها اگر لازم باشد تا بهره وری صحیح در سال آتی بهینه شود .

خوشبختانه در جامعه زرتشتی نیروی متخصص پر بار و پر برکت تا دلت بخواهد ؛ منابع به قدر کافی و لازم و به عبارتی جامعه دارای پتانسیل بالقوه عالی اما متاسفانه مکانیسمی ویا مدیریتی سنتی و نه مدرن به منظور به کار گیری و ترکیب عوامل فوق ، درحد بسیار پایین با قیمانده؛ چرا که بخشی از جامعه مخصوصاً گردانندگان و مدیران آن سنتی؛ محافظه کار و با احتیاطی بی مورد در جا می زنند از پتانسیل جوانان استفاده بهینه نمیشود از تعاون فکری و جمعی بهره ای نبرده و مسلماً چنین مدیریتی درجه ریسک پذیری بسیار پایینی دارد و ترس از تصمیم گیری در سطح اولیه با قی مانده ؛ غرض این نیست نیمه پر لیوان را نبینیم و فقط به نیمه خالی بپردازیم بلکه ایجاد انگیزه برای تراز مثبت عملکرد است و تا کنون ترازو یا با لانس عملکرد منفی بوده و به منظور اثبات گفته های خود؛ تصویری از بعضی از منابع موجود در تهران را اجمالا به اطلاع میرسانم :

آدریان بزرگ ؛

حدوداً ۱۵ سال است به همان صورت اولیه مانده البته حدود شش سال پیش مجوز کاربری آن وتراکم ساختمانی آن توسط نماینده وقت آقای پرویز روانی دریافت شد که حدود چهار سال است یک گودال بزرگی در زمین والیبال آن حفر نموده و به امان خدا رها شده و می گویند که قرار است مجدداً تراکم افزایش دهند! تازه قراراست نگهبان آنجا خلع ید بشود. زمان را در نظر داشته باشید که اگر سه سال پیش ساختن یک سالن سی میلیون تومان تمام می شد حا لا چقدر تمام می شود؟ به راستی گیر کار کجاست ؟ مدیریت چرااز نیروهای متخصص حقوقی ؛ فنی و ... استفاده نمی کند و یا گیر کار را با شجاعت در روزنامه یا مجله جامعه خودش فــریاد نمی زند تا فــریاد رسی و راه حلی پیدا شود و یا حداقل خیراندیشان بدانند که پول را در جای دیگر اختصاص دهندو در این محل بلوکه نشود. ضعف در کجاست ؟ بخشی در سیستم اجتماعی اما بخشی هم به علت عدم مدیریت صحیح و ترس از ریسک پذیری در اتخاذ تصمیم سریع و رو به جلو و عدم پیگیری مداوم و بها ندادن به نیروی کار آمد و نداشتن ترکیب مناسب تیم متخصص در این پرونده راکد و یا لاک پشت وار اسیر توهم و چه کنم ها باز مانده شده . تا نظر شما چه باشد؟ به راستی زمان استفاده روزانه از ازاین مکان چند ساعت است ؟

مارکار تهران پارس : حدود ۲۵ واحد ساختمانی نیمه تمام که حدوداً ۳۴ سال است بلا تکلیف مانده ؟ کسب تکلیف نمی شود که رومی روم یا زنگی زنگ. چه باید کرد ؟ حال بماند که چه گونه اداره میشود و زمان مفید از زمین های ورزشی آن چقدر است آیا از سالن های آن امکان بهره دهی بیشتر هست یا نه ؟ چقدر زمان پرت یا بلا استفاده داریم و چرا ؟

زمین قصر فیروزه : بخشی را آمدند و گرفتند و وقتی گرفتند گفتیم حالا لطفاً اجاره اش رو بدهید نه اینکه بلاعوض لااقل زمین روجای دیگر بدهندوحالا نشسته ایم بقیه اش رو هم بگیرند آن وقت بگیم ای وای و ای بی داد لطفاً اگه میشه باز اجاره بقیه اش رو بدهید راستی به چه انتظار نشسته ایم چرا زمان را از دست می دهیم فکر نمی کنید داریم چوب بی مدیریتی استفاده از منابع را می خوریم ؟ چه باید کرد ؟ زمان طلاست ؟

کوشک ورجاوند :

فکر کنم ۲۰ سالی است که دست به ترکییش زده نشده به تازگی قراراست در آن استخری راه اندازی بشود که بعداً متوجه خواهند شد اگر راه اندازی بشود هر روز پر از برگ کاج میشود آنوقت است که تازه به فکراستفاده از نیروی متخصص در ساخت استخر خواهند افتاد که نوشدارو بعد از مرگ سهراب خواهد بود. عظیم ترین منبع در بلا تکلیفی ؟ زمان استفاده بهینه در هفته چند ساعت است آیا نمی شود سیاست هایی اتخاذ نمود تا پرت زمانی کمتر ویا بیشتر بتوان از آنجا استفاده کرد ؟

زمین واقع در عباس آباد ؛

کوچه سوم خیابان قا ئم مقام :

حدود ۴۰۰ متر زمین در یکی از بهترین نقطه تهران حدود ۲۰ سال یا بیشتر است که دیوار کشی شده و رها شده تا اگر روزی گرفتند تازه از مردم بخواهیم که چه بکنند ؟ نه؛ تا وقتی نگرفته اند صلاح نیست مردم بدانند؛ لابد مردم محرم ما نیستند ؟ چرا بی پرده با مردم در میان نمی گذارید ؟ چرا راز گونه و پنهانی عمل می کنید و مردم را از آنچه دارند مطلع نمی کنید ؟

درمانگاه یگانگی :

تقریباً دارد می رود تبدیل شود به انباری انجمن چرا ؟ حیف نیست به جای اینکه به آن بیافزائیم و از کار خیراندیشان ارج بگذاریم آنرا از صحنه اجتماعی پاک می کنیم شما به جای من به این چه می گوئید و با این وضع که در تهران دیگر مجوز درمانگاه هم صادر نمی شود و اینکه یکی از نیاز های مهم جامعه است چه باید کرد ؟ این بی مدیریتی نیست ؟

پذیرشگاه پارسایی :

چندین با راز طرف انجمن با وارثان عزیز روانشاد پارسایی صحبت شده که به منظور بازسازی این محل اقدام شود چون بدون مجوز این عزیزان تغییر در آن غیر ممکن است که نتیجه ای حاصل نشده چه کنیم ؟

حداقل اینکه به اطلاع جامعه برسانیم بدانند که گیر کار در کجاست و از وارثان آن روانشاد بخواهیم لطف نموده مشکل را مطرح تا شاید راه حلی پیدا شود .

کتابخانه انجمن :

شاید روزی دو نفر هم به آنجا برای دریافت کتاب مراجعه نکنند ؟ علت چیست ؟ نداشتن کتابها ؛ روزنامه و مجلات جدید ؟ نبود فضای تمیز و مناسب ؟ مجهز نبودن به فنآوری روز کتا بداری؟ بی مدیریتی ؟

و خیلی از منابع دیگر مثل زمین خیابان پاسداران ؛ زمین های یزد؛ باغ اوسون تهران و گفتنی های دیگر که حیف ام آمد با شما عزیزان در میان نگذارم ؟گفتم اگر با شما در میان نگذارم پس با که و کجا باید این گله وانتقاد دوستانه را در میان بگذارم ؟ باورمن بر این است که اگر درد را با شما در میان نگذارم شایداین زخم و این درد کهنه ؛ لاعلاج و چرکین بشود ؛ اینطور نیست ؟ تبعات و یا پی آمد چنین مدیریتی که ندانم کاریست جزیی بهره بودن از منابع با ارزش چه چیز می تواند باشد. چرا از نیروی جوان و پتانسیل بالقوه این عزیزان استفاده نمی شود ؟

آیا ما نمی توانیم یک باشگاه کاملی مثال ارامنه های عزیز که در آن استخر ؛ سینما ؛ زمین های ورزشی های مختلف ؛ سالن بدن سازی ؛ سالن های دیگر داشته باشیم یعنی یک مجموعه کامل و از این همه پراکندگی بلا استفاده منابع بر حذر باشیم ؟ و در صدد باشیم بهترین سرویس ها را فراهیم کنیم .

قصد و قرض؛ کلی گویی و شعار دادن نیست ؛ قصد ایجاد انگیزه ایست تا شما هم در بحث ما شرکت کنید همه بگوییم وا گوییم تا راهی پیدا شود. هدف ؛ روشن نمودن ذهن عزیزانی است که می گو یند اگر می دانستیم وظیفه خود می دانستیم در امور اجتماعی خود نقشی داشته باشیم پس من بر آن شدم که بنویسم تا حداقل وظیفه وجدانی خود را انجام داده باشم تازه حداقل ها را وا گو کردم .

حال پیشنهاد حقیر چیست ؟ اول اینکه برای هر موردی اگر صورت مسئله را کاملاً روشن و واضح درک کنیم نصف راه حل و جواب را رفته ایم پس کمیته ای بنام کمیته تحقیق و بررسی از افراد ذیصلاح برای روشن نمودن صورت مسئله تشکیل شود . دوم اینکه برای افراد مخصوصاً جوانان ارزش قائل شویم و از یک تیم با ترکیب درست حقوقی و فنی و کاری سود ببریم حتی اگر غیر زرتشتی لازم است ؛ سوم اینکه از مدیریت مدرن که شامل رهبرleadership وبرنامه ریزی planningسازماندهی organizing و کنترل میباشد سود ببریم. چهارم از نظرات مردم توشه ای یا کوله ای برای خود ذخیره داشته باشیم .پنجم و شاید مهم تر از همه از همین امکانات موجود با زمانبدی ونظام مندی و قانونمندی درست و برنامه ریری درست و مدیریت درست انگیزه ایجاد کنیم نظارت و کنترل داشته باشیم تا حتی دقیقه ای بلا استفاده نماند هر دقیقه از سا لن ها؛ زمین های ورزش به بهانه های مختلف و یاد بود ها جشن ها ؛ برای رده های سنی مختلف استفاده شود خانم های عزیزنیز در بسیاری از موارد از توانمندی بالایی بر خوردار هستند و در پاره ای از کار ها از مردان نیز بر تر اند را لطفاً این عزیزان را هم که نصف نیروی اجتماع هستند در صحنه اجتماعی جدی بگیریم . افق دیدمان را بر محال و غیر ممکن پا بر جا نسازیم که این خود سم ایست کشنده و دردیست لاعلاج ؛ رونده باش تا زنده باشیم

آبی که بیاسود زمینش بخورد زود

دریا شود آن رود که پیوسته روان است

منتظر انتقاد و شرکت شما هستم .

دعای خیر مردم برای خیراندیشان و سپاسگزاری متقابل

پس از پایان مراسم اهدای جوایز به دانش آموزان ممتاز در پیر نارکی ، شیرین - همسر شاهرخ میزانیان - به علت بیماری در بیمارستان بستری شد . از همان نخستین روز انتشار خبر بیماری وی، دانش آموزان مدرسه دین یاری یزد و همچنین دانش آموزان دیگر مدارس بوسیله تلفن نگرانی خود را در این باره نشان دادندو برای سلامتی وی دست به دعا برداشتند .

شیرین پس از کسب سلامتی کامل در یک مصاحبهٔ کوتاه تلفنی با خبرنگار امرداد شرکت کرد وگفت : من همهٔ این بچه‌ها را مثل بچه های خودم دوست دارم و متقابلاً دعا می کنم که همواره در کارهایشان موفق باشند. وی همچنین از همهٔ کسانی که تلفنی و یا حضوری و یا بوسیله نامه جویای احوال شده بودند قدردانی و سپاسگزاری کرد.

خبرنگار امرداد می افزاید از قرار اطلاع چند تن از اولیای دانش آموزان نیر در تماس با دفتر امرداد خواستار انعکاس این خبر شده بودند .نشریه امرداد ، آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای همهٔ خیراندیشان را دارد.

امرداد

هفته نامه
(هرکشور نوع فلیکر)
مقالات چاپ شده الزاماً نظر امرداد نیست. امرداد در ویرایش مطالب آزاد است. امکان بازگرداندن مطالب داده شده به امرداد وجود ندارد. استفاده از مطالب چاپ شده در «امرداد» تنها با ذکر منبع آزاد است
پست الکترونیک: amordad@parsimail.com

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید کیومرثی
سردبیر: کیوان هور
دبیر اجرایی: شاهرخ وخشوری
دبیران گروه ها :
بوذرجمهر پرخیده
آذر نورافروز
کیان مهر احمدی
لیتوگرافی و چاپ: کیان

صندوق پستی: تهران-۱۵۸۵۵/۱۴
تلفن: ۱- ۸۳۲۵۳۴۰
تمامر: ۹- ۸۳۲۵۳۲۴

یادداشت افتتاح:

روی دشتم

رهاایزدی

جامعه دموکراتیک، آرمانشهر مدرنیته است. اتوپیایی که سنت گرایان در آن گره بر ابرو افکنده اند و درپی تحقق جامعه آرمانی خود هستند.

از نگاه سنت گرایان جهان پس از طی سال های متمادی تباهی ، به نیمه دلپذیر خود رسیده است. آفتاب فاتحانه بر می آید و تعامل آدمیان ، تابع قواعد سود و زیان نیست.

فقر ،کالای کمیابی است و خشونت انسانی که از تباهی گفتگتان گفته اند. فساد رویایی بی تعبیر است و اقلیت اشرار چندان پر اکنده اند که به چشم نمی آیند.

حاکمان عادل و مصدر امور نشسته اند و حق و عدالت را به قاعده می ستانند و به تناسب توزیع می کنند و جهان و ساکنانش تنها به دو وضع و گونه تقسیم می شوند:خوبان و بدان . و اکثریت اول همواره در پی نابودی اقلیت دوم هستند.تا مگر جهان را از لوث وجود بدطینتان پاک کنند.

در شهر آرمانی مدرنیته اما فساد هست و کمیاب هم نیست. اما روشن است و قابل سنجش و در نتیجه قابل درمان و البته غیر قابل ریشه کنی.

تجمل گرایی در برابر فقرپرستی ترویج می شود و سرمایه داران ، غاصبان اموال عوام الناس نیستند. فردیت جوهر وضع مدرن است و طبع منفعت گرای انسان مدرن موجب جذب منافع و درآمدها به سوی خویش می گردد و البته مکانیسم حاکم بر جامعه می کوشد. فرصت های مساوی را در اختیار افراد بگذارد تا هر کس به قدر همت خود از این سفره توشه ای برگیرد.

ساکن اتوپیای مدرن نه رغبت دعاگوی حاکم و راضی به وضع خویش ، بلکه شهروند پرسشگر صاحب حقی است که حاکمان را به چالش و پرسش می کشد.

حاکمان شهر آرمانی مدرن تنها با یک قاعده بر مسند می نشینند:«موکریت» و هر طایفه از آنجا که به این قوانین و قواعد نپذیرفته شده ملتزم است ، جواز ورود به تختگاه قدرت را می یابد.

ما ترجیح می دهیم از میان این دو شهر مطلوب در آرمانشهرمدرنیته زیست کنیم. چرا که معتقدیم ساختن جامعه ای سرشار از «خیرمطلق» ناممکن است و فراموش نمی کنیم این سخن کارل پوپر فیلسوف مشهور لیبرال را که «هرحکومتی که وعده ساختن بهشت موعود را دارد، جزجهنمی سوزان برپا نکرد.»

جامعه ایرانی سالهاست درگیر و دردگداز آن است و ورود به جهان مدرن است. از فاصله گیری ذهنی از مطلوبات سنت تا تلاش برای تحقق موجودات مدرنیته. حوادثی که در این دوره گذار رخ می دهد و موجب شتاب با کندی روند موکراتیزاسیون در ایران می شود موضوع صفحه ای است که پیش رو دارید.

ما ساعتی به دست داریم به نام [ساعت دموکراسی] و جای عقربه های آن را به تناسب هر حادثه تغییر می دهیم . به میزانی که هر رویداد به شتاب دموکراسی در ایران کمک کرده باشد ساعت را چند ثانیه پیش می بریم و چنانچه واقعه ای به توقف ، کندی یا بازگشت روند دموکراسی منجر شده باشد عقربک های ساعت را عقب خواهیم کشید.

آنچه در قالب گزارش پیشرفت ها و پسرفت ها از منظر آرمان های دموکراتیک در این صفحه خواهد آمد به ختم گزارشی جامع ، مانع و کامل از وضعیت حاکم بر ایران نیست. چه بسیار وقایعی که از چشم دیده باشد یا نام دموکراسی دور می ماند یا به هر دلیل به یک حادثه بیش از مقدار لزوم پرداخته می شود. محال نیست که در ارزیابی یک رویداد و تاثیر آن بر شتاب دموکراتیک اشتباهی رخ دهد و ...

همه اینها هست و از آن گزیر و گریزی هم نیست. دیده بان دموکراسی تنها می تواند تعهد کند که در ارایه گزارش به شهروندان جانب هیچ حزب، گروه یا دسته و باندی را نگیرد و از نظر فرا ملی به تحولات شتابناک جامعه ایرانی بنگرد.

کار روزنامه نویسی هم البته جز این نیست. هرچند چندسالیی به بیراهه رفته باشیم.

ساعت دموکراسی

▼ آشتی مانیتور و پرده عریض

سینما در ایران موجود مظلومی است . سینما گران گاهی باید پای دو ورقه را با هم امضا کنند.

هم برگهٔ دوستدارانشان را که هیاهو می کنند و دستخط یادگاری می خواهند و هم برگهٔ اقاریزه شان را. سینما که فروش نمی کند باکی نیست. شکست تجاری انگار خیال عده ای را راحت می کند اما وقتی طالع نحس رفع می شود و بلیط فیلم ها در صف های طولانی هم به زور به آدم می رسد ،دغدغه ها شروع می شود و رقیا یک به یک سرک می کشند.

رسانهٔ ملی سال هاست خود را رقیب سینما می داند . جدل مانیتور یا پردهٔ عریض همان می شود که دیده ایم . در لابلای برنامه های رسانه ملی همه چیز هست ، جز حرف سینما و در میان فیلم ، گاه رویای کاغذ بی خط ، بچه هایش را از تماشای تلویزیون بر حذر می دارد که مبادا « در تنهایی از دبدن ریخت هنرپیشه های کور و کچل اش» خوف کنند یا بهرام بیضایی که هرگز به تماشای جعبهٔ جادو نمی نشیند تا مبادا فارسی اش خراب شود.

جدال عجیبی است . هر دو علیه یکدیگر و این میانه مخاطبان هر دو بی خبر . این روزها اما ورق برگشته است . آنونس دو فیلم سینمایی مدام پخش می شود و عده ای کف می زنند و به عادت همیشگی نامی هم برای این حادثه دست و پا می کنند که« آغاز آشتی سینما و تلویزیون» .

باکی نیست . اگر عده ای این را از نتایج سحر تغییر مدیریت صدا و سیما بدانند هم باکی نیست . معیار ما رفتارهاست. به نام کی و چگونه و از کجا در درجهٔ دوم است . اصل بر آن است که مخاطبان رسانهٔ ملی از وضعیت اکوان فیلم ها بی خبر نمانند و لابد (اگر این وضع دولت مستعجل نباشد) سینما هم به زودی دین خود را به رسانهٔ ملی می پردازد.

ما هم در کسوت دیده بان دموکراسی به شادکامی آشتی رسانهٔ فراگیر ملی با ضعف یا هنر سینما ، ساعت دموکراسی را ۳۰ ثانیه جلو می کشیم تا کسی نگوید که از همین اول نق زدند و بهانه تراشیدند.

▼ دموکراسی کودکانه

کودکان از دموکراسی چیزی نمی دانند . اما مهربانی را می شناسند . نامهربانی را هم . می فهمند که در جهان ثبت ژنهٔ امروز ، جای نوازش لطیف با کلمه ای ظریف خالی است . ممکن است از دلیل آن مطلع نباشند یا ندانند که«لاژ نعرهٔ آلمن و سلطهٔ فولاد و جولان ماشینیسم ، عامل اصلی انهدام خیلی چیز هاست . از جمله عاطفه که طبع نفع گرای انسا مدت هاست آن را فراموش کرده است . اما می دانند که مهربانی هست و حلا که پیدا نیست لابد باید در جستجوی آن بود و یافت . می گردند و می یابند و همین است که دست به کار می شوند تا مهربان ترین پدر بزرگ دنیا را انتخاب کنند.

انتخابات برای گزینش مهربانی . این دیگر دموکراسی کودکانه است . دموکراسی بدون حزب ، بدون نهاد ، بدون پارلمان . جامعه ای دموکراتیک با شهروندانی کوچک که زبان را حتا آنقدر نمی شناسند که احتیاجات یومیه اشان را به خوبی ادا کنند.

بیستم شهریور ماه مهلت شرکت در بزرگ ترین نظر سنجی اینترنتی و نخستین جشنواره انتخاب بهترین ها به پایان رسید و بر اساس آمار استاد محمود فرشچیان مینیاتوریست چیره دست ایران زمین با بیش از ۲۵۰ هزار رأی در میان ۲۰ نامزد کسب رتبهٔ مهربان ترین ها ، عنوان مهربان ترین پدر بزرگ دنیا را به خود اختصاص داد.

در میان این نامزدها بودند دیگرانی مانند آلون دلون بازیگر مشهور

فرانسوی ، لوسیانو پاواروتی ، اپرا خوان ایتالیایی . ریز علی خواجوی ، همان دهقان فداکار کتاب های فارسی دبستان های ایرانی ، جی کی رولینگ ،خالق هری پاتر ، نلسون ماندلا ، سردار قاعدهٔ « بیخش و فراموش نکن» ، و پله ، فوتبالیست افسانه ای برزیل.

از صندوق های دموکراسی کودکانه امانام پدربزرگی با صورت پف کرده و سبیل های سفید و پر پشت درآمد.

دست های کوچک کودکان اما ساعت ما را ۵۰ ثانیه پیش برد به افتخار مهربانی.

▼ تاثیر ساعتی

شاهراه های اطلاع رسانی ، دچار ترافیک روز افزون کاربران است . دنیای مجازی شهروند پی پذیرد. شهرهای مجازی ، خانه های مجازی ، آدرس های مجازی و همسایه های مجازی .

وبلاگ ها دفترچه های شخصی کاربرانند که در دسترس عموم قرار دارند و اطلاعات مهم پیش از آن که مارک (TOP STORY) بر پیشانی بگیرند و بر صفحهٔ اول رسانه های مهم مکتوب و اینترنتی و خبرگزاری های بزرگ بنشیند ، از لابلای همین دفترچه های شخصی ، دهان به دهان می چرخد . خبرها تحلیل می شوند و کاربران با هم قرار های بزرگ می گذارند . قرار های سیاسی ، قرار های اجتماعی و ...

بارها گفته اند و شنیده ایم که جدال با این همه ممکن نیست . اگر هم باشد فرجامش پیروزی نیست. شاخکی شاید بشکند . درخت اما تناور تر از اینهاست . می بالد و بالا می رود و شاخ و برگ می گیرد و میوه می آورد.

WWW دیگر بخشی از هویت شخصی انسان هاست. بخشی از حیثیت شهروندی سلب آن ، جدال با هویت خواهی انسانی است و نتیجهٔ آن درگیری انسان مدرن با چهره خشم الود سنت ، وقتی کمر به نابودی حیثیت انسانی می بندد.

دسنگیری وبلاگ نویس و مدیر فنی فلان سایت ، راه حل نیست . باید کار دیگری کرد . این نوع رفتارها فقط یک تأثیر می تواند داشته باشد و آن اینکه ساعت ما را به اندازه ۱۰۰ ثانیه عقب بکشد . تأثیر دیگری ندارد ، باور کنید!

▼ جریمه شدن برای کمر بند ایمنی

برخورد با تخلف حق هر حکومتی است و حق عمومی شهروندان هم تخلف وسائط نقلیه حساس تر هم هست . جان عابران در معرض هدید است واهمال نباید کرد. باید کاری کرد تا عبور و مرور در خیابان دارای ریسک زندگی نباشد.

لابد ما – همه ما- باید کم کم بیاموزیم که سلامت خود را حفظ کنیم.

جریمه شدن برای نبستن کمر بند ایمنی شاید نهیی باشد . شاید از ابتدا سخت باشد اما عادت می کنیم لابد . اول از خوف جریمه شدن بعد هم به اختیار و احساس لزوم. همهٔ اینها خوب است . امنیت هر دو طرف را تأمین می کند . هم راننده و هم عابر .

کلاه « ایمنی هم از مقولهٔ همان کمر بند است . از اجبار تا اختیار . به هر حال تخلف همه جا هست. کم و زیاد ، قابل تقلیل هست و قابل ریشه کنی نه!حرفی نیست . حرف اصلی این است که چرا راهنمایی و رانندگی را از ابتدا دارای همینهٔ امنیتی تعریف نکرده اند . نگفته اند خشن باشد. ابراز خشونت به او نداده اند. از طراحی لباس افسران راهنمایی ، پیداست که سقف تنبیه متخلف باید جریمه مالی باشد ، نه بیشتر. چیز دیگری اگر همت کار دیگران است و صحنهٔ برخورد با آن هم خیابان نیست.

استقرار یگان های ویژه با ابزار خاص در خیابان فوری ترین تأثیری که می گذارد ایجاد هراس است . عده ای می گویند پای تذکرات دیگر مثلاً به دختران و پسران هم در کار است . مقامات البته تکذیب می کنند. خوب است . یعنی هر چه هست رسمیت ندارد. اما حتا اگر هدف از استقرار این نیروها کشف مرتب موتورها و دیگر جرائم هم باشد با این هیأت و در این کسوت ...

▼ یک نظر سنجی

« آنقدر بنشین تا موهایت ،رنگ دندان هایت شود»شاید بعضی زنان با این جمله آشنای دیرینه ای داشته باشند . آشنایی به اندازهٔ یک عمر تحمل زیست نامطلوب . شاید بعضی هم از خود پرسیده باشند چرا باید یک نفر حق داشته باشد با یک تصمیم رنگ موهای زنی را مشخص کند؟ سؤال های بی موردی است . چرا که مردان « قانونا» می توانند در یک فرآیند شیمیایی رنگ موهای زنی را به شکل دندان هایش در بیاورد.

همین توانایی تبدیل شیمیایی است که می تواند زنان را به خاطر « دختر زایی» سرزنش کند یا زنان را موظف به خانه داری و رفت و روب نماید و بزرگ ترین و اساسی ترین و تاریخی ترین رسالت شکوهمند جنس مؤنث را غبار روبی از فراز اشیاء خانه و انتظار شیرین بازگشت شبانه شوهر و همزبانی با در و دیوار تشخیص دهد.

از این پنجره ، گویی فرمان در دست زنان ، در قابلمه است . می چرخانند و تا اعتراضی می شوند به سلاح همیشگی « جیغ» مسلح می شوند.

اینها همه هست اما گویی زیر پوست جامعه در حال گذار اتفاقاتی دیگر در حال وقوع است .

بر اساس یک نظر سنجی ملی از ۲۸ استان کشور ، ۶۰ در صد افراد جامعه موافق « حق طلاق» برای زنان هستند. بیش از ۳۱ درصد مخالف این امر و بیش از ۷ درصد در این باره مردددند.

برای ۵۸ درصد افراد فرقی ندارد که جنسیت فرزندشان چه باشد . اما همچنان ۳۲ در صد خواهان فرزند پسر و بیش از ۱۹ درصد خواهان فرزند دختر هستند.

۴۵ درصد پاسخگویان در صورت تولد دوباره دوست داشتند نمی دانم. چهرهٔ آنان که از خیابان گذر می کنند می گویند که راضی نیستند . شاید کار بهتری ... نمی دانم. صلاح با بزرگان است. یک راه حل ، همیشه تنها راه حل نیست. راه های دیگری هم هست . بدون رفتار های تند .۵۰ ثانیه عقبگرد . به امید اصلاح .

پاسخ دکتر اسلامی ندوشن به مقاله: « دید ما به ادبیات فارسی چگونه است؟»

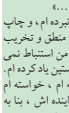

سردبیر محترم هفته نامه امرداد
با سلام
خواهش می کنم یادداشت زیر را برای رفع سوء تفاهم درج بفرمایید.
محمدعلی اسلامی ندوشن

در شماره ششم امرداد ماه سال جاری هفته نامه امرداد در مقاله اقای بهنام مرادیان تحت عنوان « دید ما به ادبیات فارسی چگونه است؟» اشاره ای به نام من شده است ، با این عبارت : « ایشان در کتاب « داستان داستان ها» در مورد جنگ رستم و اسفندیار نظر خاصی دارند. وی ... اسفندیار را نمایندهٔ دین زرتشت می داند و دین ما را دین نو می داند که **بی منطق و تخریب گر** است و **هیچ چیز نمی تواند این را عوض کند...»**

باید بگویم که من هرگز چنین عبارتی به کار نبرده ام ، و چاپ های متعدد «داستان داستان ها» گواه برآنند . بی منطق و تخریب گر نه از این نوشته و نه از هیچ نوشته دیگری از من استباط نمی گردد ، بلکه همواره با تحسین از زرتشتیگری راستین یاد کرده ام.

در تحلیلی که از داستان رستم و اسفندیار داشته ام ، خواسته ام تعبد را در مقابل آزادگی قرار دهم (که یکی نماینده اش ، بنا به روایت شاهنامه ، اسفندیار بوده است و دیگری رستم.

هر آئینی خواه ناخواه قدری تعبد دارد، و هر آئینی هم می تواند ماهیت زنگخواهانه داشته باشد، ولی مورد سوء استفاده صاحبان قدرت قرار گیرد ، چنانکه در این داستان از جانب گشتاسب چنین شد ، و اسفندیار هم نادانسته و از روی جاه طلبی این ترازدی را پیش آورد.

روح مطلبی که من راجع به رستم و اسفندیار نوشتم جز این حکایت دارد که نویسنده مقاله برداشت کرده اند . از قول رستم گفتم که آیین زرتشت « دین نو» است که اینگونه بود ، و اشکالی نداشت. حرف بر سر بهره وری از دین بود که در شخصیت گشتاسب نمود کرد. گواهی دیگرش پیوند « دین و دولت» در اواخر دوره ساسانی بود که زمینه ای فراهم کرد که منجر به سقوط بسیار آسان کشور بشود.

«مرد» به دنیا بیایند و ۲۰ درصد بی تفاوتند و ۲۵ درصد «زن» بودن را ترجیح می دهند.

۵۳/۶ درصد برای زنان پست وزارت را می پسندند و ۳۸/۹ درصد مخالفند و ۷/۵ درصد مردد.

۲۰ ثانیه پیشرفت . دارد اتفاق هایی می افتد!

اگر از ساعت ۱۲ آغاز کنیم ، ساعت دموکراسی اینک با احتساب پیشرفت ها و پسرفت ها یازده و پنجاه و نه دقیقه و ده ثانیه است . یعنی ۵۰ ثانیه پسرفت!

مهد کودک ، آمادگی
و مرکز پیش دبستانی
سپند
تلفن: ۸۹۶۹۴۴۱

داروخانه خورشیدیان
ساخت داروهای ترکیبی - محصولات آرایش و بهداشتی
آدرس: فاطمی- بلوار گلها- مجتمع پزشکی گلها- پلاک ۲۳۸
تلفن: ۸۰۰۸۵۲۳

مشاور املاک پارسیان
در کرج
انتخاب اول شما همکیشان در امور ملکی
تلفن: ۴۴۱۴۹۶۳-۰۲۶۱
۴۴۲۶۸۶۷-۰۲۶۱
نشانی: گوهر دشت. فلکه اول. جنب بانک مسکن

کلکسیون تمبرهای نفیس و یادبود
عرضه کننده تمبرهای ایرانی و خارجی
تلفن: ۲۳۱۵۵۱۷
۰۹۱۲۳۰۷۴۵۲۰
عادل عبداله پور

بنیاد فرهنگی جمشید
برگزار می کند:
کلاس های تکخوانکه و تست
کلاس های تقویتی :
دروس اختصاصی و عمومی
کارگاه شاهنامه :
شنبه ها
پژوهشی در فرهنگ ایران باستان
یکشنبه ها
تفسیر گاتها:
دکتر حسین وحیدی
چهارشنبه ها
آموزش زبان دری :
سه شنبه ها
آموزش خط و زبان دین دبیره
خواندن گاتها:
چهارشنبه ۱۵ مهرماه
ساعت ۱۸ تا ۱۹/۳۰
بحث آزاد اجتماعی:
چهارشنبه ها
آموزش موسیقی ایرانی و کلاسیک با بهترین اساتید
ثبت نام همه روزه:
۱۶ تا ۱۹ تلفن: ۸۸۲۵۲۱۲

فروشگاه لوازم آرایش بهداشتی
باران
جدیدترین عطرها با بهترین قیمت
ساعت: ۹/۳۰ تا ۱۹/۳۰
نشانی: جنت آباد جنوبی
بالاتر از بهداری فرهنگ
تقدیم از بدیدار
تلفن: ۸۰۹۶۲۱۵

شلوار تک پوشک کاوسی
پیراهن
در اندازه های مختلف
خیابان سمیه
مابین مفتح و
فرصت جنب بانک
سپه پلاک ۴۵
تلفن: ۸۳۰۶۱۹۳
پارچه موجود است
سفارشات
در اسرع وقت
کت و شلوار

پلاستیک سازی دهنادی
تولید کننده
انواع لوله های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۱/۵ تا ۲۵ میلیمتر
نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج
خیابان دارو پخش. خیابان مهندس خودکار
تلفن: ۳۸۳۱۴۴۲-۰۲۶۲

دفتر وکالت
پری سیما آذرکیوان
بزرگراه صدر (بریدگی قیطریه - بلوار کاوه - شمال)
خ بهار جنوبی - خ نادر - پلاک ۱۰ - واحد ۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲۲۱۴۶۱۱۴
۵ تا ۷ بعد از ظهر روزهای زوج با وقت قبلی

دکتر گلناز کیانی
جراح ومتخصص بیماریهای زنان ، (ایمان وزایمان)
.اندوکریولوژ نازائی
.مراقبت‌های قبل ،حین و پس از زایمان
.تنظیم خانواده
.سونوگرافی تشخیصی-واژینال و ابدومینال در مطب
پذیرایی ۴ تا ۸ بعد از ظهر مر (و) پنجشنبه‌ها ۹ تا ۱۲
آدرس: میدان کاج - خیابان شهید گمنام، ساختمان ویدا پلاک ۱۵ طبقه سوم
شماره تلفن: ۴۴۶۳۱۹۰ و ۸۸۲۸۵۸۱
همراه: ۰۹۱۲۱۸۸۶۰۷۹۴
Dr. G.Kiani
Ob.B. Gynecologist

دکتر فرشید اختری
جراح دندانپزشک
متخصص دندانپزشکان زیبایی آمریکا
، سفید کردن دندانهای بد رنگ
، بستن فاصله بین دندان ها
، درمان ریشه (عصب کشی) بدون درد در یک جلسه
، ترمیم همرنگ دندان با اشعه
، ساخت دندان مصنوعی ثابت و متحرک
، ارتودنسی
، نصب نگین روی دندان
دندانپزشک مشاور مجله‌های ایام و فضیلت خانواده
ویزیت و مشاوره جهت عموم رایگان
میدان گلها ، ساختمان پزشکان ویدا - طبقه دوم
تلفن ۸۶۳۸۴۸۹

تدریس خصوصی و نیمه خصوصی
ریاضی ،فیزیک ، ادبیات ، زبان انگلیسی
و
دینی اقلیت
مخصوص کلیه پایه های تحصیلی و کنکور
به همراه شیوه های نوین حفظ مطالب
۸۷۱۰۲۸۱

دفتر فنی تیراژه
همکیش آشنا به کامپیوتر
نیازمندیم
تلفن ۸۹۰۴۶۳۰-۸۸۹۶۸۱۷

بی مرز .com
BIMARZ
مرزی برای اطلاع رسانی نمی شناسد
طراحی سایت اینترنتی
تبلیغات پست الکترونیکی به داخل و خارج از کشور
طراحی آگهی اینترنتی(بنر)
ثبت نام شغلی شما (در صفحه مشاغل بی مرز)
www.Bimarz.com
برنامه سینما، تئاتر، نگارخانه، تورهای داخلی و خارجی
به آسانی و به روز می توانید در سایت بی مرز بیایید.
تلفن: ۳۰-۸۲۱۱۵۳۹

یسنا کامپیوتر
نشانی : ولیعصر- بالاتر از چهار راه طالقانی
مرکز کامپیوتر ایران- ورودی دوم
پلاک ۸۴۰
تلفن: ۱۷ - ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۲۱۳۴۲۹۴۷

جناب تیمسار سردار قالیباف
فرماندهی محترم نیروی انتظامی کشور
تلاش های شبانه روزی و بی وقفه شما را
در حفظ جان ،مال و امنیت ایرانیان
و اهالی شهر بم
می ستاییم
خانواده پارسیا

جناب تیمسار سردار دارایی
فرماندهی محترم نیروی انتظامی استان کرمان
از پیگیری ها و دلسوزی های بی دریغ شما
برای بازگرداندن فرزند دلبندمان به آغوش گرم خانواده
سپاسگزاریم .
خانواده پارسیا

مشاور املاک شما همکیشان
در کرج
رستم پرویزی
تلفن: ۹-۲۵۰۰۵۲۷و۲۵۰۶۰۱۸-۰۲۶۱
نشانی: کرج ،عظیمیه ،خیابان شمس
پلاک ۱۷۰

راستین مسکن
در خدمت همکیشان محترم
خرید ، فروش ، رهن و اجاره
آدرس: یوسف آباد ،میدان فرحبخش
(سلماس) ، خیابان شهریار ، پلاک ۱۳۴
تلفن: ۸۰۲۳۶۴۲
۸۰۲۵۳۵۲

جناب سرهنگ حاج محمود قلعه خانی
فرمانده محترم نیروی انتظامی شهرستان بم
به خاطر ایثارگری و از خودگذشتگی آن سردار دلیر میهن
و همه سربازان و نیروهای انتظامی شهر بم
در بازگرداندن فرزندمان به آغوش گرم خانواده
سپاسگزاریم
خانواده پارسیا

از آقای کورش نیکنام
نماینده محترم زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی
برای تمامی اقدامات انجام شده
جهت رهایی نورچشم مان
و همچنین از تمامی آشنایان و همکیشان که در این مدت ما را یاری کردند سپاسگزاریم .
خانواده پارسیا